

# گزارش



چه شد که دولت بشار الاسد سقوط کرد  
و چه آینده‌ای پیش روی سوریه است؟



انديشكده سرآمد

انديشكده سرآمد  
گروه پژوهشی مطالعات بین‌المللی  
مجموعه نگاشت شماره ۳



سوره پسا اسد		عنوان
مطالعات بین المللی	گروه پژوهشی	
امیرحسین عسگری	ایده پرداز	
امیرحسین عسگری، عارف بیژن	تیم ایده پروری	
نادیا ملانسب	ناظر علمی	
اندیشکده سرآمد	ناشر	
زمستان ۱۴۰۳	تاریخ انتشار	
<a href="https://saramadrc.com">https://saramadrc.com</a>	آدرس سایت	

## خلاصه مدیریتی:

سوریه در طول تاریخ خود تحولات بسیاری را از دوره استعمار تا استقلال و دوران حکومت خاندان الأسد تجربه کرده است. این کشور، از تقسیمات استعماری سایکس-پیکو تا شکل‌گیری جمهوری اولیه و سپس تسلط حزب بعث، همواره تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار داشته است. در دوره بشار الأسد، جنگ داخلی و ظهور گروه‌های افراطی مانند داعش و هیئت تحریر الشام، همراه با دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، کشور را به بحرانی عمیق سوق داده است.

سقوط دولت بشار الأسد سناریوهای متعددی را پیش روی سوریه و قدرت‌های خارجی قرار می‌دهد. این سناریوها شامل انتقال به یک دولت موقت، تقسیم کشور به مناطق تحت کنترل گروه‌های مختلف، یا استقرار حکومت‌های اسلام‌گراست. بازیگران خارجی مانند ایران، روسیه، ترکیه و آمریکا، هرکدام به دنبال تأمین منافع استراتژیک خود در نظم نوین غرب آسیا هستند، که این امر بر ثبات و امنیت منطقه تأثیرگذار خواهد بود.

برای ترکیه، حمایت از هیئت تحریر الشام و تغییر در وضعیت سوریه چالش‌هایی جدی را به همراه دارد، از جمله فشارهای بین‌المللی، تعارضات داخلی و تهدیدات امنیتی. هم‌زمان، ایران و آمریکا باید راهبردهای جدیدی برای حفظ یا افزایش نفوذ خود تدوین کنند. سقوط الأسد نه فقط تغییری در ساختار قدرت سوریه بلکه نقطه عطفی در سیاست منطقه‌ای و نقش‌آفرینی بازیگران بین‌المللی خواهد بود.

## مقدمه:

در ۸ دسامبر ۲۰۲۴، حزب بعث سوریه تحت فرمان و رهبری بشار الأسد پس از ۵۳ سال حکومت بر کشور، سقوط کرد. این سقوط حاصل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بود که حزب بعث سوریه در خصوص مدیریت کشور اتخاذ کرده بود. تحقیق در خصوص «علل سقوط الأسد» و «سوریه‌ی پسا اسد» از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا جنگ داخلی سوریه تأثیرات عمیق و گسترده‌ای نه تنها بر خود این کشور بلکه بر کل منطقه غرب آسیا و حتی بر روابط بین‌المللی داشته است. درگیری‌های سوریه باعث شکل‌گیری بحران‌های انسانی، اقتصادی و سیاسی در این کشور شده بود و همچنین موجب تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی میان قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، روسیه و ایران شده است. این جنگ به‌ویژه بر کشورهای همسایه سوریه نظیر لبنان، عراق، ترکیه و اردن تأثیر گذاشته و تهدیدات امنیتی جدیدی از جمله پناهجویی میلیونی و ظهور گروه‌های افراطی همچون داعش به وجود آورده است.

روند تحولات سیاسی در سوریه می‌تواند بر آینده ثبات و امنیت در غرب آسیا اثرگذار باشد. با سقوط دولت بشار الأسد، فضای سیاسی سوریه به شدت تحت تأثیر تحولات جدید قرار خواهد گرفت. بازسازی این کشور و گذار از وضعیت جنگی به صلح و ثبات ممکن است با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شود، از جمله درگیری‌های داخلی میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و سیاسی که در طول جنگ به‌طور فزاینده‌ای تقویت شده‌اند. به همین دلیل، پیش‌بینی آینده سوریه و سناریوهای مختلفی که ممکن است پس از سقوط الأسد به وقوع بپیوندد، برای درک بهتر آینده منطقه و مدیریت بحران‌های احتمالی ضروری است.

بررسی دلایل احتمالی سقوط بشار الأسد و تحلیل آن‌ها نیز برای فهم عمیق‌تر وضعیت سوریه بسیار مهم است. بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور، تحریم‌های بین‌المللی، رقابت‌های داخلی در رژیم الأسد و فشارهای خارجی می‌توانند عواملی باشند که به سقوط حکومت او منجر شوند. علاوه بر این، تحولات جهانی و منطقه‌ای و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در جنگ سوریه نیز می‌توانند به تشدید این روند کمک کنند. در این راستا، تحلیل دلایل سقوط بشار الأسد نه تنها به‌عنوان یک گام درک وضعیت سوریه، بلکه به‌عنوان یک ابزار برای پیش‌بینی تحولات آینده و مدیریت بحران‌های احتمالی در منطقه اهمیت دارد.

آینده سوریه پس از بشار الأسد می‌تواند سناریوهای مختلفی را شامل شود که هر یک از آن‌ها پیامدهای متفاوتی برای مردم سوریه و کشورهای منطقه خواهند داشت. این سناریوها ممکن است شامل گذار به یک دموکراسی با ثبات، تقسیم یا تجزیه سوریه به مناطق تحت کنترل گروه‌های مختلف، یا ادامه بحران و جنگ داخلی باشد. برای پیش‌بینی دقیق‌تر آینده سوریه و بررسی راهکارهای ممکن

در جهت برقراری صلح و ثبات، ضروری است که تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این تحولات مورد تحلیل قرار گیرد و نقش کشورهای خارجی در این فرآیند به‌طور ویژه بررسی شود.

در این نوشتار به سه پرسش پاسخ خواهیم داد:

۱. عوامل سقوط بشار الأسد چیست؟

۲. آینده سیاسی سوریه بعد از دوران الأسد چگونه خواهد بود؟

۳. چه سناریوهایی برای دولت‌های ذی‌نفع در سوریه پیش‌بینی می‌شود؟

## بخش نخست: سوریه، از استعمار تا استقلال و ظهور خاندان الأسد

### مقدمه:

سوریه مانند کشورهای همچون لبنان، عربستان سعودی، اردن هاشمی و سایر کشورهایی که از امپراطوری عثمانی مستقل شدند، کشوری نوپا در غرب آسیا است. درک تاریخ سوریه موجب می‌شود تا سیر تحول سیاست در این کشور را به‌خوبی بررسی نمود. به‌عبارتی دیگر، با مذاقه و بررسی تاریخ سوریه، شناخت سیاست و حکومت در سوریه به راحتی قابل درک و تحلیل می‌شود. در بخش حاضر از این نوشتار، تاریخ مختصری از سوریه مدرن ارائه می‌شود.

سوریه با فروپاشی عثمانی، تبدیل به بخشی از قلمرو تحت قیمومیت فرانسه شد (گفتار نخست). پس از آن با انقلاب ضد استعماری در ۱۹۴۶ استعمار فرانسه به پایان رسید و جمهوری اولیه شکل گرفت (گفتار دوم) که در نهایت با انقلاب ۱۹۶۳ و شکل‌گیری موج سوسیالیسم در این کشور حزب بعث بر مسند قدرت آمد (گفتار سوم) و با ظهور داعش در دهه دوم ۲۰۰۰ تنش در سوریه در گرفت و حکومت حزب بعث به خطر افتاد (گفتار چهارم).

گفتار نخست: دوره استعمار

دوره استعمار در تاریخ مدرن سوریه یکی از مهم‌ترین فصول تحولی است که تأثیرات عمیقی بر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور برجای گذاشت. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول و تقسیم مناطق تحت کنترل آن، سوریه تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت و وارد یک دوران جدید از سلطه و استثمار شد. این دوره که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۶ ادامه داشت، نه تنها با سرکوب‌های سیاسی و نظامی همراه بود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرای سوریه برای دستیابی به استقلال نیز گردید. استعمار فرانسه در سوریه، با تحمیل ساختارهای اداری و نظامی جدید، نه تنها موجب تغییرات اساسی در جامعه سوریه شد، بلکه چالش‌های عمیقی را در زمینه‌های قومی، مذهبی و فرهنگی نیز به وجود آورد که آثار آن تا دهه‌ها پس از استقلال سوریه باقی ماند.



پرچم دولت سوریه تحت استعمار فرانسه

بند نخست: پایه‌گذاری قیمومیت فرانسه (۱۹۲۰-۱۹۴۶)

پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، قدرت‌های اروپایی، به‌ویژه بریتانیا و فرانسه، تصمیم به تقسیم سرزمین‌های عثمانی گرفتند. در کنفرانس صلح ورسای (۱۹۱۹)، سرنوشت کشورهای منطقه غرب آسیا به‌طور عمده در دست این قدرت‌ها قرار گرفت و به موجب آن، سوریه به‌عنوان یکی از مناطق تحت قیمومیت فرانسه تعیین شد. در سال ۱۹۲۰، فرانسه به‌طور

رسمی قیومیت خود را بر سوریه اعلام کرد و تحت این قیومیت، این کشور نه تنها از نظر سیاسی بلکه از لحاظ نظامی نیز تحت سلطه فرانسه قرار گرفت.<sup>۱</sup>

فرانسه با ایجاد یک سیستم اداری و نظامی، مناطق مختلف سوریه را تحت کنترل خود درآورد. برخی از مناطق مانند دمشق و حلب تحت حکومت مستقیم فرانسه قرار گرفتند، در حالی که مناطق دیگری مانند جبل دروز و برخی مناطق کردستان تحت نوعی مدیریت نیمه‌مستقل قرار داشتند. این تقسیم‌بندی نه تنها موجب سرکوب‌های مستمر مردم سوریه شد، بلکه همچنین زمینه‌ساز تنش‌های قومی و مذهبی در این کشور گردید که در آینده تأثیرات زیادی بر تحولات سیاسی سوریه داشت.<sup>۲</sup>



نقشه سوریه در دوره استعمار فرانسه

بند دوم: سایکس - پیکو

توافق سایکس-پیکو، که در سال ۱۹۱۶ میان دو دیپلمات بریتانیایی و فرانسوی، مارک سایکس و فرانسوا ژرژ-پیکو، به امضا رسید، یکی از مهم‌ترین توافقات محرمانه‌ای است که در تاریخ سیاست‌های استعماری در غرب آسیا نقش کلیدی ایفا کرده است. این توافق در دوران جنگ جهانی اول، در شرایطی که امپراتوری عثمانی در حال سقوط بود و قدرت‌های بزرگ اروپایی به دنبال بازسازی نقشه سیاسی منطقه بودند، شکل گرفت.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Seal, Patrick, McConville, Maureen, Asad of Syria: The Struggle for the Middle East, University of California Press, ۱۹۸۹, p. ۱۹.

<sup>۲</sup> Swayd, Samy, Historical Dictionary of the Druzes, Rowman & Littlefield, ۲۰۱۵, p. ۱۳۲.

<sup>۳</sup> Berdine, Michael D., Redrawing the Middle East: Sir Mark Sykes, Imperialism and the Sykes-Picot Agreement, Bloomsbury, ۲۰۱۹, pp. ۶۹-۷۱.



الف. زمینه‌های تاریخی و سیاسی

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، امپراتوری عثمانی به عنوان یک قدرت عمده در غرب آسیا، به تدریج تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار گرفت. جنگ جهانی اول فرصتی بود که به کشورهای اروپایی، به‌ویژه بریتانیا و فرانسه، این امکان را می‌داد تا حوزه‌های نفوذ خود را در سرزمین‌های تحت سلطه عثمانی گسترش دهند. در این شرایط، به‌ویژه پس از شکست نیروهای عثمانی در برابر متفقین، این دو کشور به دنبال توافقی بودند که منافع خود را در منطقه تأمین کنند.

در حالی که امپراتوری عثمانی در حال فروپاشی بود، سیاست‌های استعمارگرایانه بریتانیا و فرانسه در غرب آسیا تحت تأثیر شرایط جنگ جهانی قرار گرفت. این دو کشور به سرعت به دنبال تقسیم مناطق تحت کنترل عثمانی در غرب آسیا بودند. توافق سایکس-پیکو به‌عنوان ابزار اصلی برای تقسیم این مناطق، پس از مذاکرات سری و محرمانه بین بریتانیا و فرانسه، شکل گرفت.

ب. مفاد توافق

توافق سایکس-پیکو در ۱۶ مه ۱۹۱۶ میان مارک سایکس (دیپلمات بریتانیایی) و فرانسوا ژرژ-پیکو (دیپلمات فرانسوی) به امضا رسید. در این توافق، بریتانیا و فرانسه مناطق مختلف غرب آسیا را به دو حوزه نفوذ تقسیم کردند و کشورهای نظیر سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و اردن به‌طور غیررسمی بین این دو کشور تقسیم شد. بر اساس این توافق، مناطق شرقی مدیترانه تحت کنترل بریتانیا قرار می‌گرفت، از جمله عراق و فلسطین. فرانسه نیز مناطق غربی مدیترانه، از جمله سوریه و لبنان را به‌عنوان مناطق نفوذ خود به‌دست آورد. علاوه بر این، نواحی خاصی از این مناطق، مانند منطقه‌ای به نام «منطقه تحت قیمومت» در فلسطین و بخش‌هایی از سوریه، قرار بود تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد. توافق همچنین پیش‌بینی می‌کرد که در صورت شکست امپراتوری عثمانی، مناطق مختلفی به شکل قیمومیت‌ها و تحت سرپرستی کشورهای بزرگ به‌ویژه بریتانیا و فرانسه اداره شوند.<sup>۴</sup>

پ. پیامدهای حقوقی و سیاسی سایکس-پیکو

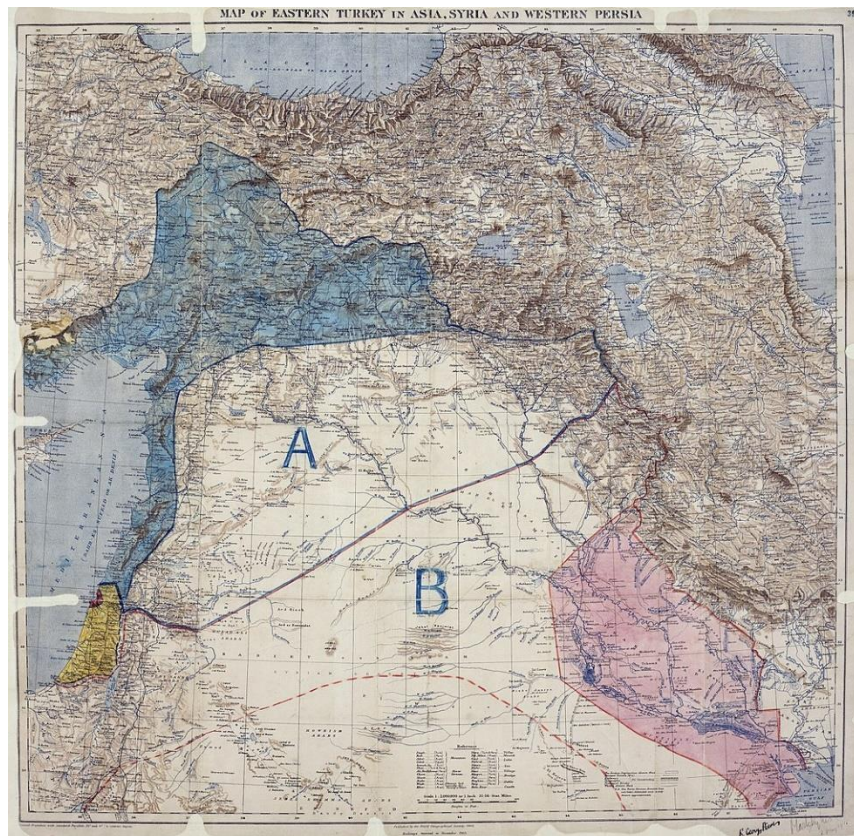
توافق سایکس-پیکو در واقع با نقض اصول حقوق بین‌الملل و قوانین حاکم بر حق مردم در تعیین سرنوشت خود، بر پایه سیاست‌های استعمارگرایانه شکل گرفت. این توافق بدون مشورت با کشورهای عربی یا مردم محلی صورت گرفت، در حالی که بسیاری از سرزمین‌هایی که در این توافق به دو بخش تقسیم شدند، توسط مردم عرب و مسلمان اداره می‌شدند. نتیجه این عمل، ایجاد مرزهای

<sup>۴</sup> Berdine, Michael D., Op. Cit., pp. ۷۸-۷۹.

مصنوعی و بی‌توجهی به واقعیت‌های قومی و مذهبی در منطقه بود.<sup>۵</sup> پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، این توافق به‌طور گسترده‌تری در سیاست‌های بریتانیا و فرانسه در غرب آسیا تأثیر گذاشت.

در نتیجه توافق سایکس-پیکو، مرزهای جدیدی در این منطقه شکل گرفت که باعث ایجاد کشمکش‌های طولانی‌مدت میان کشورهای جدید و مردم محلی شد. برای نمونه، مرزهای مصنوعی عراق و سوریه که توسط سایکس-پیکو تعیین شده بودند، نه تنها روابط میان اقوام مختلف منطقه را پیچیده‌تر کرد، بلکه زمینه‌ساز بسیاری از بحران‌ها و جنگ‌های داخلی در آینده شد.

در اصل و در اساس، توافق سایکس-پیکو به‌نوعی نقض حق حاکمیت و خودمختاری کشورهای عربی به‌شمار می‌رود و تأثیرات آن همچنان در سیاست‌های غرب آسیا مشهود است. این توافق باعث بروز بی‌اعتمادی میان کشورهای عربی و قدرتهای استعماری شد و به پیدایش نهضت‌های ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه در این کشورها کمک کرد.



<sup>۵</sup> مسائلی، محمود، حقوق بشر شفافیت و معاهدات پنهان در حقوق بین الملل، آگورا: تریبون ایران آکادِمیا، بی‌تا. قابل مشاهده در:

[https://iranacademia.com/agora/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-%D8%B4%D9%A1%D8%AV%D9%A1%DB%AC%D8%AA-%D9%88-%D9%85%D8%B9%D8%AV%D9%87%D8%AF%D8%AV%D8%AA-%D9%BE%D9%A6%D9%87%D8%AV%D9%A1-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82/#\\_ftn5](https://iranacademia.com/agora/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-%D8%B4%D9%A1%D8%AV%D9%A1%DB%AC%D8%AA-%D9%88-%D9%85%D8%B9%D8%AV%D9%87%D8%AF%D8%AV%D8%AA-%D9%BE%D9%A6%D9%87%D8%AV%D9%A1-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82/#_ftn5) (accessed December 16, 2024).

## نقشه حاصل از توافق سایکس-پیکو

ت. فروپاشی توافق و پیامدهای آن

پس از پایان جنگ جهانی اول و تصویب پیمان سور، سایکس-پیکو عملاً به‌عنوان مبنای تقسیم‌بندی غرب آسیا بر پایه منافع استعماری بریتانیا و فرانسه شناخته شد. با این حال، پس از اعلام استقلال کشورهای عربی و تشکیل برخی از کشورهای جدید، مانند عراق و سوریه، مخالفت‌ها با این توافق افزایش یافت و کشورهای عربی خواستار تغییر مرزهای تعیین شده در توافق سایکس-پیکو شدند.

بند سوم: جنبش‌های استقلال‌طلبانه (۱۹۳۰-۱۹۲۰)

با اعمال قیومیت فرانسه و فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر مردم سوریه، جنبش‌های مقاومت و استقلال‌طلبانه به‌سرعت رشد کردند. این جنبش‌ها عمدتاً از میان طبقات متوسط و روشنفکر سوریه و همچنین از میان قبایل و گروه‌های مذهبی مختلف شکل گرفتند. در دهه ۱۹۲۰، شورش‌هایی علیه قیومیت فرانسه در نقاط مختلف سوریه رخ داد، اما مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین این شورش‌ها، شورش درعا در سال ۱۹۲۵ بود. این شورش که به‌طور عمده در جنوب سوریه و در مناطق دروزی‌نشین رخ داد، یکی از بزرگ‌ترین و خونین‌ترین مقاومت‌ها علیه قیومیت فرانسه بود.<sup>۶</sup>

شورش درعا، که به‌عنوان نقطه اوج جنبش‌های ضد استعماری در سوریه شناخته می‌شود، موجب شد که فرانسه به‌طور گسترده‌ای از نیروهای نظامی برای سرکوب مخالفان استفاده کند.<sup>۷</sup> با این حال، این شورش‌ها نتوانستند فرانسه را از ادامه قیومیتش بر سوریه منصرف کنند، اما باعث شدند که فرانسه به‌دنبال سیاست‌های نرم‌تری برای کنترل کشور باشد. این جنبش‌های مقاومت همچنین موجب شد تا مفهوم استقلال در ذهن مردم سوریه ریشه‌دار شود و در دهه‌های بعد، این آرمان به‌عنوان یک هدف ملی مورد توجه قرار گیرد.

<sup>۶</sup> Friedman, Yaron, The separatist Alawi petition to the French Prime Minister Léon Blum (۱۹۳۶): reliability, background and aftermath, Routledge Middle Eastern Studies, ۲۰۲۴, ۶۰(۳), pp. ۴۴۴-۴۶۳. At: p. ۴۴۷.

<sup>۷</sup> Winter, Stefan, A History of the 'Alawis From Medieval Aleppo to the Turkish Republic, Princeton University Press, ۲۰۱۶, p. ۲۵۷.

بند سوم: آغاز حرکت به سمت استقلال (۱۹۴۶-۱۹۳۰)

در طول دهه ۱۹۳۰، جو سیاسی سوریه به تدریج به سوی استقلال متمایل شد. فرانسه در این دوران مجبور شد تا در برابر فشارهای داخلی و خارجی، به برخی از اصلاحات دست بزند. در سال ۱۹۳۶، فرانسه به طور موقت با برخی گروه‌های سیاسی سوریه توافق کرد که به طور نسبی استقلال سیاسی به کشور اعطا کند، اما این توافقات هیچ‌گاه به طور کامل اجرایی نشد و سوریه همچنان تحت سلطه فرانسه باقی ماند. در دوران جنگ جهانی دوم، شرایط جهانی به طور چشمگیری تغییر کرد. اشغال فرانسه توسط نازی‌ها و جنگ جهانی دوم، قدرت‌های استعماری را در موقعیتی ضعف قرار داد. این تغییرات جهانی فرصتی برای فعال‌سازی جنبش‌های استقلال‌طلبانه فراهم کرد. بسیاری از کشورهای عربی، از جمله سوریه، شروع به فشار برای کسب استقلال کردند. در این زمان، جنبش‌های ملی‌گرای سوریه به رهبری گروه‌های مختلف، از جمله حزب سوسیالیست و دیگر گروه‌های مخالف، به شدت خواستار استقلال بودند.

در سال ۱۹۴۱، فرانسه تحت اشغال نازی‌ها قرار داشت و اداره مستعمرات خود را به حکومت ویشی واگذار کرده بود. این وضعیت، شرایط را برای فعال‌سازی نهضت‌های ملی‌گرای سوریه فراهم کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست آلمان نازی، فرانسه تحت فشارهای بین‌المللی و همچنین جنبش‌های داخلی سوریه در نهایت مجبور شد که در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶، سوریه را به طور رسمی به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت بشناسد. استقلال سوریه نه تنها نتیجه مقاومت مردمی، بلکه تحت تأثیر تحولات جهانی و تغییرات در سیاست‌های استعماری فرانسه بود.<sup>۸</sup>

دوره قیومیت فرانسه بر سوریه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فصول تاریخ معاصر این کشور است. این دوره که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۶ ادامه یافت، زمینه‌ساز تغییرات عمده‌ای در ساختار سیاسی و اجتماعی سوریه بود. قیومیت فرانسه نه تنها موجب تحمیل سلطه خارجی بر سوریه شد، بلکه باعث ایجاد جنبش‌های استقلال‌طلبانه شد که در نهایت به استقلال این کشور انجامید. با وجود اینکه فرانسه در آغاز موفق به سرکوب این جنبش‌ها شد، اما در نهایت تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی مجبور به اعطای استقلال به سوریه گردید. بنابراین، تاریخ قیومیت فرانسه بر سوریه نه تنها قضیه استعمار و سرکوب، بلکه قضیه مقاومت و تلاش برای آزادی است که النهایه به تأسیس جمهوری مستقل سوریه انجامید.

<sup>۸</sup> Seal, Patrick, McConville, Maureen, Op. Cit., pp. ۱۹-۲۳.

گفتار دوم: دوره جمهوری اولیه سوریه (۱۹۴۶-۱۹۵۸)

پس از پایان قیمومیت فرانسه و کسب استقلال در سال ۱۹۴۶، سوریه وارد مرحله‌ای جدید از تاریخ خود شد که با تشکیل جمهوری سوریه و نهادهای جدید سیاسی همراه بود. این دوره، که با بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات مکرر دولت‌ها مشخص می‌شود، به دلیل چالش‌های داخلی و خارجی متعددی که کشور با آن روبه‌رو بود، نتوانست ثبات و آرامش پایداری را تجربه کند. اگرچه استقلال رسمی سوریه در سال ۱۹۴۶ به دست آمد، اما در واقع این کشور هنوز تحت تأثیر قدرت‌های خارجی و رقابت‌های داخلی قرار داشت.

پس از استقلال، سوریه با دو مشکل اصلی مواجه بود: نخست، تقسیم قدرت در داخل کشور میان گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و قومی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات پیوسته دولت‌ها شد، و دوم، فشارهای خارجی برای پیوستن به یکی از بلوک‌های شرق یا غرب در دوران جنگ سرد. سیاست خارجی سوریه در این دوره با هدف حفظ استقلال و تلاش برای محافظت از منافع ملی در مواجهه با قدرت‌های جهانی، پیچیده و متناقض بود. در سطح داخلی، حزب بعث که بعدها به‌عنوان یکی از احزاب اصلی در سیاست سوریه شناخته شد، در این دوران نقش پررنگی داشت و سعی می‌کرد تأثیر خود را در ساختار سیاسی کشور گسترش دهد. به‌طور کلی، سوریه در این دوره تحت تأثیر دگرگونی‌های بین‌المللی، مانند جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، و همچنین مشکلات داخلی ناشی از تنش‌های قومی و مذهبی قرار داشت.<sup>۹</sup>

بند نخست: تشکیل جمهوری سوریه و بی‌ثباتی سیاسی

پس از استقلال، جمهوری سوریه به‌طور رسمی تأسیس شد، اما کشور با بی‌ثباتی داخلی و تغییرات سیاسی مکرر مواجه بود. در این دوران، احزاب سیاسی مختلف و گروه‌های نظامی در تلاش برای دستیابی به قدرت بودند که این امر منجر به کودتاها و تغییرات مکرر دولت‌ها شد. در برخی موارد، این تغییرات به‌طور مستقیم توسط نیروهای نظامی انجام می‌شد و در موارد دیگر، گروه‌های سیاسی مختلف با تشکیل ائتلاف‌های موقت، سعی می‌کردند شرایط را به نفع خود تغییر دهند. این بی‌ثباتی سیاسی در درجه اول به دلیل عدم وجود یک ساختار قوی و پایدار سیاسی در سوریه بود. جامعه سوریه در آن زمان به شدت متنوع بود و شامل گروه‌های مختلف قومی و مذهبی مانند عرب‌ها، کردها، دروزی‌ها و مسیحیان می‌شد که هرکدام منافع خاص خود را داشتند. این تنوع باعث شد تا

<sup>۹</sup> Hinnebusch, Raymond, Syria: Revolution from Above, Routledge, ۲۰۰۱, pp. ۱۴-۱۵.

احزاب مختلف سیاسی، که عمدتاً از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی بودند، در رقابت با یکدیگر برای کسب قدرت قرار گیرند. علاوه بر این، تأثیرات منفی از دوران قیومیت فرانسه و سیاست‌های استعماری در این دوران همچنان ادامه داشت و در بسیاری از موارد، گروه‌های مختلف داخلی تلاش می‌کردند تا استقلال واقعی را از نفوذهای خارجی به دست آورند.<sup>۱۰</sup>

بند دوم: تأثیر جنگ جهانی دوم و جنگ سرد

دوره جمهوری سوریه تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای نیز قرار داشت. یکی از این تحولات، اثرات جنگ جهانی دوم و جنگ سرد بود که باعث تغییرات عمده‌ای در سیاست خارجی سوریه شد. پس از جنگ جهانی دوم، سوریه و دیگر کشورهای عربی به‌ویژه در پی شکل‌گیری بلوک‌های قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای به دنبال حفظ استقلال و امنیت خود بودند.<sup>۱۱</sup>

در این دوران، رقابت‌های بلوک‌های غربی و شرقی در دوران جنگ سرد بر سیاست خارجی سوریه تأثیر زیادی گذاشت. برخی از گروه‌های سیاسی و دولتمردان در سوریه تمایل به پیوستن به بلوک غرب و کشورهای متحد ایالات متحده داشتند، در حالی که دیگر گروه‌ها به‌ویژه گروه‌های چپ‌گرا و کمونیست به دنبال پیوستن به بلوک شرق و اتحاد با شوروی بودند. این رقابت‌ها و فشارهای خارجی باعث شد تا سیاست خارجی سوریه در این دوره پیچیده و متناقض باشد. سوریه به‌طور مکرر سعی داشت تا با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود، منافع ملی‌اش را در برابر فشارهای خارجی حفظ کند.

بند سوم: اتحاد سوریه و مصر / جمهوری متحد عربی (۱۹۵۸)

در سال ۱۹۵۸، سوریه به همراه مصر یک اتحادیه به نام «اتحاد جمهوری عربی» تشکیل داد. این اتحادیه به‌عنوان یک تلاش برای ایجاد وحدت سیاسی و اقتصادی در میان کشورهای عربی تشکیل شد و هدف آن مقابله با تهدیدات خارجی و تقویت همکاری‌های داخلی بود. این اتحاد که تحت رهبری جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، قرار گرفت، در ابتدا امیدهای زیادی برای ایجاد یک قدرت عربی واحد داشت. با این حال، به دلیل اختلافات داخلی میان سوریه و مصر، به‌ویژه اختلافات قومی و سیاسی، این اتحادیه پس از سه سال در سال ۱۹۶۱ از هم پاشید.

<sup>۱۰</sup> Hinnebusch, Raymond, Op. Cit., ۲۰-۲۳.

<sup>۱۱</sup> Little, Douglas, Cold War and Covert Action: The United States and Syria, ۱۹۴۵-۱۹۵۸, *Middle East Journal* ۴۴, no. ۱ (۱۹۹۰): ۵۱-۷۵. <http://www.jstor.org/stable/۴۳۲۸۰۵۶>.



### پرچم جمهوری متحد عربی

اتحاد جمهوری عربی، هرچند که به‌عنوان یک تلاش برای وحدت میان کشورهای عربی مورد استقبال قرار گرفت، اما در عمل با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. در سوریه، بسیاری از مردم احساس می‌کردند که مصر نقش غالب را در این اتحادیه ایفا می‌کند و به نوعی هویت سوریه در این اتحاد تحت‌الشعاع قرار گرفته است. علاوه بر این، اختلافات در سیاست‌های اقتصادی و نظامی میان دو کشور نیز باعث شد که این اتحادیه به‌طور ناگهانی فرو بپاشد. به‌رغم شکست این اتحادیه، این تجربه همچنان تأثیر زیادی بر سیاست‌های سوریه و نگاه آن به اتحادهای منطقه‌ای و جهانی گذاشت.

الف. مبانی شکل‌گیری جمهوری عربی متحد

پس از تأسیس جمهوری مصر در سال ۱۹۵۲، جمال عبدالناصر به دنبال اتحاد تمامی کشورهای عربی و تحقق پان‌عربیسم بود. یکی از اصول کلیدی این ایدئولوژی، رهایی جهان عرب از تأثیرات غربی بود. روابط مصر و سوریه در سال ۱۹۵۵ با امضای اولین توافق‌نامه نظامی تقویت شد و در سال ۱۹۵۸، دولت سوریه پیشنهاد اتحادیه با مصر را مطرح کرد.<sup>۱۲</sup> نگرانی از تهدیدات کمونیستی و تأثیر پیمان بغداد که کشورهای همسایه اردن و عراق را شامل می‌شد، عامل اصلی این تصمیم بود. در ۱ فوریه ۱۹۵۸، اتحادیه میان سوریه و مصر تشکیل شد.

<sup>۱۲</sup> Pargeter, Alison, The Muslim Brotherhood: From Opposition to Power, Saqi, ۲۰۱۳, p. ۵۴



### جمهوری متحده عربی

ب. تاریخ سیاسی و نهادینه‌سازی قدرت

در مقابل انتظارات حامیان سوری ناصر، بیشتر اعضای حزب بعث سوریه، ناصر قصد نداشت که قدرت میان دو کشور به‌طور مساوی تقسیم شود. ساختار دولت اعلام شده در ۶ مارس ۱۹۵۸ شامل ۲۰ وزیر مصری و ۱۴ وزیر سوری بود. مقامات بلندپایه فقط از مصر انتخاب می‌شدند که این تقسیم نابرابر قدرت باعث بی‌اعتمادی سوریه به مصر شد. با گذشت زمان و به‌ویژه از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰، وزرای بعث از کابینه استعفا دادند و مقاومت سوریه در برابر جمهوری عربی متحد رشد کرد.<sup>۱۳</sup>

پ. فروریختن جمهوری عربی متحد

افول حمایت‌ها از اتحاد سوریه و مصر، کاهش محبوبیت ناصر و بی‌ثباتی دولت، منجر به ایجاد شکاف‌های اولیه در جمهوری عربی متحد شد. اصلاحات اقتصادی ناصر در سال ۱۹۶۰ نتوانست اقتصاد سوریه را با اقتصاد مصر هم‌راستا کند و سیاست‌های سوسیالیستی ناصر موجب افزایش تنش‌ها در سوریه شد. کاهش نفوذ سوریه به‌ویژه در ارتش، نارضایتی شدیدی را در پی داشت که نهایتاً منجر به

<sup>۱۳</sup> Pargeter, Alison, Op. Cit., pp. ۵۴-۵۵.



کودتای سوریه در سپتامبر ۱۹۶۱ و پایان اتحاد شد. تلاش‌های مصر برای حفظ اتحادیه با شکست مواجه شد و حتی پس از مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰، مصر هنوز به عنوان «جمهوری عربی متحد» شناخته می‌شد.<sup>۱۴</sup>

دوره جمهوری اولیه سوریه، که از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ به طول انجامید، یکی از پرچالش‌ترین و بی‌ثبات‌ترین دوران‌های تاریخ معاصر این کشور بود. با وجود اینکه استقلال سوریه به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۶ به دست آمد، اما این کشور با مشکلات داخلی و خارجی فراوانی مواجه بود. رقابت‌های سیاسی و بی‌ثباتی داخلی، همراه با فشارهای جهانی و منطقه‌ای، باعث شد که سوریه نتواند به ثبات سیاسی و اقتصادی پایدار دست یابد. تلاش‌ها برای ایجاد اتحادیه‌های عربی مانند اتحاد جمهوری عربی نیز نتوانستند به یکپارچگی واقعی دست یابند و پس از مدتی به شکست انجامیدند.

گفتار سوم: حزب بعث بر مسند قدرت

دوره حکومت حزب بعث در سوریه که از ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۱ ادامه یافت، یکی از مهم‌ترین فصول تاریخ معاصر این کشور بود. در ۸ مارس ۱۹۶۳، حزب بعث با رهبری افسران نظامی موفق به انجام یک کودتا شد و به قدرت رسید. این انقلاب که به‌دنبال شکست‌های ائتلاف کشورهای عربی در جنگ ۱۹۶۳ با رژیم صهیونیستی انجام شد، زمینه‌ساز تغییرات عمده در ساختار سیاسی سوریه شد. حزب بعث که ایدئولوژی سوسیالیستی و پان‌عربیسم را ترویج می‌کرد، در تلاش بود تا ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور را تغییر دهد و با تکیه بر شعارهای ملی‌گرایانه و ضد امپریالیستی، به تقویت وحدت عربی و بهبود وضعیت اقتصادی سوریه بپردازد. در این دوره، گرچه برخی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی اجرا شد، اما سرکوب مخالفان و محدود کردن آزادی‌های فردی نیز به شدت افزایش یافت.<sup>۱۵</sup>

دوران حکومت حافظ الأسد که از ۱۹۷۰ آغاز شد، نقطه عطفی در تاریخ سوریه بود. حافظ الأسد، که با یک کودتای بدون خونریزی قدرت را به دست گرفت، بر حفظ امنیت داخلی، با سیاست‌های خارجی فعالانه‌ای همچون حمایت از حزب‌الله لبنان و مقابله با رژیم صهیونیستی، سعی کرد سوریه را به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای مطرح کند. در این دوران، اگرچه سوریه در سیاست خارجی موفقیت‌هایی کسب کرد اما از نظر داخلی، فساد و فقدان دموکراسی، کشور را تحت فشار قرار داد.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۴</sup> Pargeter, Alison, Op. Cit., p. ۲۶-۲۷.

<sup>۱۵</sup> Hinnebusch, Raymond, Op. Cit., ۶۵.

<sup>۱۶</sup> Seal, Patrick, McConville, Maureen, Op. Cit., p. ۴۷.

پس از مرگ حافظ الأسد در ۲۰۰۰، پسرش بشار الأسد به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید سوریه به قدرت رسید. بشار الأسد که در ابتدا به‌عنوان یک چهره اصلاح‌طلب و جوان معرفی شد، به سرعت به تقویت سلف خود، حافظ الأسد، پرداخت.<sup>۱۷</sup> در ابتدا، اصلاحات اقتصادی محدود و برخی گشایش‌های سیاسی در دستور کار قرار گرفت اما این اصلاحات به سرعت محدود و کنترل‌شده باقی ماندند. در حالی که در دوره ابتدایی ریاست‌جمهوری بشار الأسد برخی امیدها برای تغییر و پیشرفت وجود داشت اما ناتوانی در اصلاحات اقتصادی و سیاسی باعث شد که نارضایتی‌ها در جامعه سوریه افزایش یابد. در نهایت، این نارضایتی‌ها در سال ۲۰۱۱ به جنگ داخلی سوریه تبدیل شد.

#### گفتار چهارم: جنگ داخلی

در ماه مارس سال ۲۰۱۱، دولت سوریه تحت هدایت بشار الأسد با چالش قدرت‌طلبی مخالفان مواجه شد. چالشی که با پیام دموکراتیزاسیون سوریه اما در عمل پسرفت و تبدیل سوریه به شام سابق به‌رهبری گروه‌های سلفی شروع شد و سال‌های دشواری را برای سوریه به ارمغان آورد. در گفتار حاضر لغزش‌های دولت الأسد مورد بررسی قرار می‌گیرند که ارتباط بسیار نزدیکی با سقوط وی در اواخر سال ۲۰۲۴ دارد.

الف. بهار عربی، پاییز سوری

#### بهار عربی

بهار عربی یا بیداری عربی، به بازه زمانی گفته می‌شود که کشورهای عرب‌زبان غرب آسیا و شمال آفریقا درگیر چالش‌هایی برای دموکراتیزه کردن خود شدند. گروه‌های مردمی برای ترویج دموکراسی و تحقق آزادی‌های فردی و جمعی به دولت‌های در رأس قدرت معترض شدند. این رویداد در نظر بسیاری از تحلیل‌گران اثرات قابل توجهی بر افزایش تنش‌های داخلی در کشورهای عرب‌زبان داشت. به‌زعم پاول استیونز<sup>۱۸</sup>، استاد دانشگاه داندی اسکاتلند، رویدادهای سال‌های اخیر در غرب آسیا و شمال آفریقا موسوم به بهار عربی

---

<sup>۱۷</sup> Seal, Patrick, McConville, Maureen, Op. Cit., p. ۵۰.

<sup>۱۸</sup> Prof. Paul Stevens

پیامد جالب توجهی برای بازار جهانی نفت به همراه داشته است. «از زمان شروع اعتراضات در تونس، قیمت نفت (برنت) از ۹۴.۹۰ دلار آمریکا در ۴ ژانویه به ۱۲۰ دلار در هر بشکه در هفته جاری افزایش یافته است.»<sup>۱۹</sup>

پادشاهی‌های در رأس قدرت مانند عربستان سعودی، مراکش و بحرین، با اعمال اقتدار و در مضیقه قرار دادن منتقدین آزادی بیان را به‌طور فاحش نقض می‌کردند. به‌طور نمونه، اعتراضات ۲۰۱۱ در عربستان سعودی، بخشی از موج اعتراضات در جهان عرب بود که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ شکل گرفت. این اعتراضات شامل راهپیمایی‌ها، تظاهرات و نافرمانی‌های مدنی در داخل کشور بود که در پاسخ به مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آغاز شد. فعالان این اعتراضات ۱۲ خواسته مشخص را مطرح کردند که بارزترین آن‌ها شامل (۱) ایجاد نظام مشروطه، (۲) تدوین قانون اساسی مدون و مصوب توسط مردم، (۳) تفکیک قوا و شفافیت در عملکرد مقامات، (۴) مبارزه با فساد و (۵) تشکیل دولتی پاسخگو به مردم بود. در ۴ مارس ۲۰۱۱، اعتراضات از شهرهای احساء و قطیف به پایتخت ریاض کشیده شد، و دولت سعودی بلافاصله پس از آن اعلام کرد که هرگونه تظاهرات و تجمعات اعتراض‌آمیز ممنوع است و در صورت تکرار، برخورد شدید پلیس را به دنبال خواهد داشت.

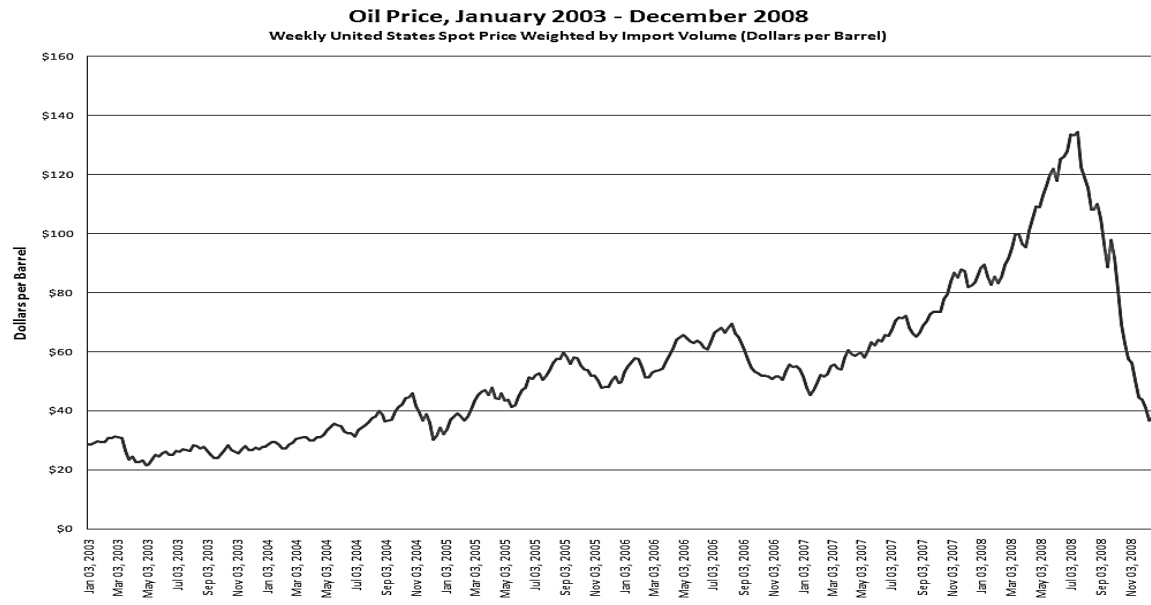
از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا سپتامبر ۲۰۰۳، قیمت نفت خام در بورس کالای نیویورک<sup>۲۰</sup> معمولاً کمتر از ۲۵ دلار به ازای هر بشکه بود. در سال ۲۰۰۳، قیمت نفت از ۳۰ دلار عبور کرد، تا ۱۱ اوت ۲۰۰۵ به ۶۰ دلار رسید و در جولای ۲۰۰۸ به ۱۴۷.۳۰ دلار رسید. تحلیلگران این افزایش قیمت‌ها را به عواملی چون تنش‌های غرب آسیا، افزایش تقاضای چین، کاهش ارزش دلار آمریکا، گزارش‌هایی درباره کاهش ذخایر نفتی، نگرانی‌ها در مورد اوج نفت و سفته‌بازی‌های مالی نسبت دادند. در کوتاه‌مدت، رویدادهای ژئوپولیتیکی و بلایای طبیعی تأثیرات زیادی بر قیمت نفت داشتند، مانند آزمایش‌های موشکی کره شمالی، جنگ ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی و لبنان، موضوعات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و طوفان کاترینا.

اما از سال ۲۰۰۸، این فشارها به‌نظر نمی‌رسید که تأثیر زیادی بر قیمت نفت داشته باشند، به‌ویژه با آغاز رکود جهانی که باعث کاهش تقاضا برای انرژی شد و قیمت نفت از ۱۴۷ دلار در ژوئیه ۲۰۰۸ به ۳۲ دلار در دسامبر ۲۰۰۸ سقوط کرد. با این حال، بحث‌هایی وجود داشت که قوانین عرضه و تقاضای نفت نمی‌توانستند عامل کاهش ۸۰ درصدی قیمت نفت در عرض شش ماه باشند. قیمت نفت از اوت ۲۰۰۹ تثبیت شد و تا نوامبر ۲۰۱۴ در محدوده‌ای بین ۷۰ تا ۱۲۰ دلار باقی ماند و در اوایل ۲۰۱۶ به سطوح

<sup>۱۹</sup> Stevens, Paul, The 'Arab Spring' and Oil Markets, Expert Comment, Chatham House, ۲۰۲۳. Available at: <https://www.chathamhouse.org/2011/02/arab-spring-and-oil-markets> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۲۰</sup> New York Mercantile Exchange (NYMEX)

پیش از بحران ۲۰۰۳ بازگشت، زیرا تولید نفت ایالات متحده به طور چشمگیری افزایش یافت و این کشور تا سال ۲۰۱۸ به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شد.



نمودار تغییر قیمت نفت در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸

(i) علل بروز بهار عربی

(۱) بحران انرژی دهه نخست قرن ۲۱

(۲) پادشاهی مطلقه و اقتدارگرایی

(۳) تورم

(۴) فرقه‌گرایی

(۵) نقض حقوق بشر

(۶) فقر و بی‌کاری

(ii) نتیجه بهار عربی

❖ تونس: زین العابدین بن علی، که از سال ۱۹۸۷ حکومت می‌کرد، تحت فشار اعتراضات مجبور به استعفا و ترک کشور شد.

❖ **الجزایر و مراکش:** اعتراضات اجتماعی در این کشورها تأثیر کمتری نسبت به سایر کشورهای عربی داشتند، اما منجر به تغییرات دموکراتیک شدند.

❖ **مصر:** حسنی مبارک، که از سال ۱۹۸۱ در قدرت بود، مشابه رهبر تونس، تحت فشار اعتراضات مجبور به استعفا و ترک کشور شد.

❖ **لیبی:** نتیجه قیام در لیبی جنگ داخلی بود که در آن نیروهای ناتو دخالت کردند. معمر قذافی، رهبر لیبی که از سال ۱۹۶۹ در قدرت بود، در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ در جریان نبرد سرت توسط نیروهای شورای انتقال ملی (NTC) دستگیر و کشته شد.

❖ **سوریه:** شورش در مارس ۲۰۱۱ سرکوب شدید مردم توسط حکومت بشار الأسد که از ۲۰۰۰ در قدرت بود، بود. حکومت اسد هیچ‌گونه تغییرات سیاسی و اجتماعی در سوریه پیشنهاد نکرد.

❖ **یمن:** علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن که ۳۳ سال در قدرت بود، پس از ده ماه قیام، در ۲ نوامبر ۲۰۱۱ توافقنامه‌ای امضا کرد که بر اساس آن قدرت را به معاونش، عبدربه منصور هادی، واگذار کرد و در عوض از مصونیت برای خود و خانواده‌اش برخوردار شد.

#### پاییز سوری

همه‌گیر شدن اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی در تونس و سپس در کشورهایی چون لیبی و مصر تأثیرات عمده‌ای بر کشورهای دیگر شمال آفریقا و غرب آسیا داشت. این ناآرامی‌ها که تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود، چالش‌های جدی را برای امنیت غرب آسیا به همراه داشت. یکی از این کشورها سوریه بود.<sup>۲۱</sup>

در سوریه، درگیری‌ها از تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ با اعتراضات عمومی آغاز شد و در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ به یک قیام سراسری تبدیل گردید. این درگیری‌ها به خونین‌ترین بحران در غرب آسیا تبدیل شد که به عنوان نتیجه بهار عربی شناخته می‌شود. سناریو در ابتدای بحران مشابه سایر کشورهای عربی بود. اعتراضات گسترده ضد حکومت سوریه در شهر درعا، در جنوب سوریه، به دنبال دستگیری و شکنجه تعدادی نوجوان که شعارهای انقلابی را روی دیواری نوشته بودند در ۶ مارس ۲۰۱۱ آغاز شد. تشدید درگیری‌ها زمانی آغاز

<sup>۲۱</sup> CSS, The Syrian Civil War: Between Escalation and Intervention, CSS Analysis in security policy, ETH Zurich, No ۱۲۴, November ۲۰۱۲, p. ۲.

شد که نیروهای امنیتی به سمت معترضان آتش گشودند و تعدادی از آنها کشته شدند. معترضان خواستار استعفای بشار الأسد شدند. استفاده از زور توسط دولت برای پراکنده کردن اعتراضات تنها اراده معترضان را تقویت کرد.<sup>۲۲</sup>

خشونت در سوریه افزایش یافت و جنگ داخلی آغاز شد. گروه‌های شورشی برای مقابله با نیروهای دولتی تشکیل شدند و کنترل شهرها، شهرک‌ها و روستاها را به دست گرفتند. در سال ۲۰۱۲، درگیری‌ها به پایتخت دمشق و دومین شهر بزرگ سوریه، حلب، کشیده شد.

این بحران نشان‌دهنده پیچیدگی‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و مذهبی در سوریه است. اعتراضات ضد حکومتی که به دنبال سرکوب شدید دولت به یک جنگ داخلی تبدیل شد، تنها یک اعتراض مدنی نبود بلکه تحت تأثیر عوامل خارجی و اختلافات مذهبی داخلی نیز قرار داشت. حمایت از حکومت علوی الأسد، در مقابل حمایت کشورهای سنی‌مذهب مانند عربستان سعودی و ترکیه از شورشیان، جنگ را به یک نبرد فرقه‌ای پیچیده تبدیل کرد که از آن به عنوان یک «جنگ نیابتی»<sup>۲۳</sup> یاد می‌شود. مداخله قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و روسیه نیز به پیچیدگی‌های بحران افزود. روسیه از الأسد به‌عنوان یک متحد راهبردی در مقابله با تهدیدات غربی و گروه‌های تروریستی چون داعش حمایت می‌کرد، در حالی که ایالات متحده با هدف تضعیف حکومت الأسد، حمایت از مخالفان آن را در دستور کار قرار داده بود. این وضعیت موجب شد که سوریه به یکی از کانون‌های اصلی درگیری‌های منطقه‌ای تبدیل شود که تأثیرات آن فراتر از مرزهای این کشور نیز احساس می‌شود. بحران سوریه، علاوه بر جنبه‌های داخلی، بازتاب‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بزرگی در سطح جهانی ایجاد کرده و چالش‌های جدی برای امنیت غرب آسیا به همراه داشته است.

ب. ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

دولت اسلامی عراق و شام (داعش) یکی از گروه‌های جهادی تروریستی است که در سال ۲۰۱۳ به‌طور رسمی اعلام موجودیت کرد، اگرچه ریشه‌های آن به دوران جنگ عراق و پس از سقوط رژیم صدام حسین بازمی‌گردد. این گروه در ابتدا به نام «القاعده در عراق» شناخته می‌شد و تحت رهبری ابوبکر البغدادی توانست در پی جنگ داخلی سوریه و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در عراق، به سرعت

---

<sup>۲۲</sup> Hof, Frederic C., Simon, Alex, Sectarian Violence in Syria's Civil War: Causes, Consequences, and Recommendations for Mitigation, ۲۰۱۳, The Center for the Prevention of Genocide, United States Holocaust Memorial Museum. available at: <https://www.ushmm.org/m/pdfs/۲۰۱۳-۲۲۵-syria-report.pdf> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۲۳</sup> Proxy war

به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات تروریستی جهان تبدیل شود. در سال ۲۰۱۴، داعش توانست بخش‌های وسیعی از خاک عراق و سوریه را تصرف کرده و در شهر موصل، بزرگ‌ترین مرکز شهری که تحت کنترل گروه قرار گرفت، «خلافت اسلامی» خود را اعلام کند.<sup>۲۴</sup> داعش به‌طور گسترده از ایدئولوژی افراطی سنی‌گرای جهادی استفاده می‌کند که هدف آن برپایی یک دولت اسلامی بر اساس تفسیر خاص و تند از شریعت اسلام است. گروه داعش به‌ویژه در مناطق تحت کنترل خود به اجرای قوانین سخت‌گیرانه شریعت، از جمله شلاق زدن، قطع دست و اعدام‌های علنی پرداخت.<sup>۲۵</sup> علاوه بر این، داعش به‌طور گسترده از تکنولوژی‌های جدید مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای جذب نیرو و تبلیغ ایدئولوژی خود استفاده می‌کرد.

ظهور داعش در عراق و سوریه به‌شدت تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های ناشی از جنگ‌های داخلی و مداخلات خارجی قرار داشت. از یک سو، دولت‌های غربی و منطقه‌ای به جنگ علیه داعش پیوستند و از سوی دیگر، گروه‌های جهادی در منطقه به‌ویژه در سوریه از بحران‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بهره‌برداری کردند. در نهایت، با تشکیل ائتلاف جهانی ضد داعش و مشارکت کشورهای مختلف، داعش در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ با شکست‌های بزرگی مواجه شد و بخش‌های وسیعی از قلمرو خود را از دست داد. با این حال، تهدیدهای داعش همچنان در بسیاری از نقاط جهان ادامه دارد.

پ. برخاستن هیأت تحریر الشام

هیأت تحریر الشام (سازمان آزادیبخش شام) گروهی تروریستی و جهادی است که در سال ۲۰۱۷ از ترکیب چندین گروه افراطی در شمال غربی سوریه، به‌ویژه در استان ادلب، شکل گرفت. این گروه در ابتدا به‌عنوان جبهه النصره (جبهه فتح الشام) شناخته می‌شد که از سوی القاعده تأسیس شده بود اما پس از تغییر نام و اعلان بی‌طرفی از القاعده در ۲۰۱۶، به هیأت تحریر الشام (زین‌پس تحریر الشام) تبدیل شد.<sup>۲۶</sup> هدف اصلی تحریر الشام، برقراری حکومتی اسلامی در سوریه است که بر اساس تفسیرهای افراطی از شریعت اسلام بنا شده باشد. برخلاف داعش که به دنبال تشکیل یک خلافت جهانی بود، تحریر الشام تأکید بیشتری بر مبارزه با حکومت

<sup>۲۴</sup> Winter, Charlie, Al-Saud, Abdullah K., The Obscure Theologian Who Shaped ISIS, The Atlantic, December ۴, ۲۰۱۶. Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/۲۰۱۶/۱۲/isis-muhajir-syria/۵۰۹۳۹۹/> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۲۵</sup> Reuter, Christopher, Secret Files Reveal the Structure of Islamic State, Der Spiegel, April ۱۸, ۲۰۱۵. Available at: [https://www.spiegel.de/international/world/islamic-state-files-show-structure-of-islamist-terror-group-a-۱۰۲۹۲۷۴.html?sara\\_ref=re-xx-cp-sh](https://www.spiegel.de/international/world/islamic-state-files-show-structure-of-islamist-terror-group-a-۱۰۲۹۲۷۴.html?sara_ref=re-xx-cp-sh) (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۲۶</sup> Lister, Charles, How al-Qa`ida Lost Control of its Syrian Affiliate: The Inside Story, ۲۰۱۸, in Paul Cruickshank (ed.), CTS Sentinel, The Combating Terrorism Center at West Point, ۲۰۱۸, pp. ۱-۹. Available at: [https://ctc.westpoint.edu/wp-content/uploads/۲۰۱۸/۰۲/CTS-Sentinel\\_Vol۱۱Iss۲-۲.pdf](https://ctc.westpoint.edu/wp-content/uploads/۲۰۱۸/۰۲/CTS-Sentinel_Vol۱۱Iss۲-۲.pdf) (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

بشار الأسد در سوریه و تشکیل دولتی اسلامی در سوریه دارد. این گروه در بیشتر اوقات خود را در برابر سایر گروه‌های مخالف الأسد به‌ویژه گروه‌های معتدل‌تر و مخالفین مسلح حکومتی قرار داده است و در استان‌های شمال غربی سوریه نظیر ادلب، که آخرین سنگر بزرگ مخالفان بشار الأسد است، نفوذ زیادی دارد.<sup>۲۷</sup>

تحریر الشام علی‌رغم آنکه خود را به‌عنوان یک گروه مخالف سوری معرفی می‌کند، از نظر سیاسی و نظامی با دیگر گروه‌های جهادی همچون داعش در رقابت است. این رقابت در طول سال‌ها به درگیری‌های خونینی منجر شده است. به‌علاوه، حضور تحریر الشام در شمال سوریه موجب شده است که این منطقه به یکی از کانون‌های اصلی درگیری‌های بین گروه‌های جهادی و دولت سوریه تبدیل شود.<sup>۲۸</sup>

یکی از ویژگی‌های بارز هیأت تحریر الشام در مقایسه با سایر گروه‌های جهادی، شیوه تعامل آن با جامعه محلی است. این گروه با بهره‌گیری از خلاء قدرت در مناطق تحت کنترل خود، موفق به اعمال نفوذ به‌عنوان یک نیروی مسلط در استان ادلب شده است. تحریر الشام نه تنها در عرصه‌های نظامی و امنیتی حضور فعال دارد، بلکه به‌طور گسترده در حوزه‌هایی نظیر خدمات عمومی، آموزش و قوه قضائیه نیز به فعالیت پرداخته و خود را به‌عنوان یک دولت‌ساز محلی تحمیل کرده است.

در شرایط کنونی، تحریر الشام تحت رهبری ابومحمد الجولانی باقی مانده اما اهداف استراتژیک این گروه تا حدی دچار تغییرات شده است. هرچند که برخی از اظهارات عمومی الجولانی به اهداف گسترده‌تری اشاره دارد، نظیر «با این روحیه... نه تنها به دمشق خواهیم رسید، بلکه ان‌شاءالله، قدس منتظر ورود ما خواهد بود»، اما در ادبیات سیاسی و نظامی تحریر الشام، مفاهیم افراطی و ایدئولوژی «خلافت جهانی» که پیش‌تر در القاعده مطرح بود، به‌طور قابل توجهی محو شده است. در عوض، این گروه توجه خود را به مسائلی محدود کرده که بیشتر جنبه‌های محلی و منطقه‌ای دارند، به‌ویژه با تمرکز بر سرنگونی حکومت بشار اسد و ایجاد یک دولت اسلامی مستقل در سوریه.

برای تحقق این هدف، الجولانی یک استراتژی چندجانبه را به‌طور نظام‌مند پیاده‌سازی کرده است. مرحله اول، که تحریر الشام در آگوست ۲۰۱۸ از آن به‌عنوان مرحله موفق یاد می‌کند، شامل اخراج «نیروهای مسلح» از شهرهای فوعه و کفریا بود. این دو شهر

---

<sup>۲۷</sup> Hassan, Hassan. Jabhat Al Nusra and Al Qaeda: The Riddle, the Ruse and the Reality. The National, November ۱, ۲۰۱۷. Available at: <https://www.thenationalnews.com/opinion/comment/jabhat-al-nusra-and-al-qaeda-the-riddle-the-ruse-and-the-reality-۱,۱۷۲۲۲۱> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۲۸</sup> Jones, Seth G., Vallee, Charles, Markusen, Maxwell B., Al Qaeda's Struggling Campaign in Syria: Past, Present, and future, April ۴, ۲۰۱۸, CSIS. Available at: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/۱۸۰۴۰۳\\_Jones\\_AlQaedaSyria\\_Web.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/۱۸۰۴۰۳_Jones_AlQaedaSyria_Web.pdf) (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).



به‌عنوان کانون‌های تهدید برای منطقه و به‌ویژه محرک‌های فرقه‌گرایانه شناخته می‌شدند که رژیم اسد از آن‌ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کرد. مرحله دوم، که تا اکتبر ۲۰۱۸ ادامه داشت، مبارزه با گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و دیگر گروه‌های جهادی در سوریه بود که الجولانی آن‌ها را «بی‌ثبات‌کننده» توصیف کرده بود. این مرحله در راستای تقویت هژمونی تحریر الشام در مناطق تحت کنترل خود و تضعیف رقبا و تهدیدات امنیتی صورت گرفت. در نهایت، مرحله سوم که در حال حاضر در جریان است، بر «تقویت و دفاع» از شمال سوریه متمرکز شده است. هدف این مرحله جلوگیری از دست دادن مناطق بیشتر و حفظ موقعیت استراتژیک در برابر تهدیدات خارجی و داخلی است.<sup>۲۹</sup>

منابع بخش نخست

### فارسی

- مسائلی، محمود، حقوق بشر شفافیت و معاهدات پنهان در حقوق بین‌الملل، آگورا: تریبون ایران آکادمیا، بی‌تا. قابل مشاهده در:

<https://iranacademia.com/agora/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%08%08%04%08%01-%D8%04%09%81%08%07%09%81%00%80%08%00-%D9%88-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%87%D8%AF%D8%AF%D8%AA-%D9%BE%D9%86%D9%87%D8%AF%D9%86-%D8%00%08%01-%D8%00%09%82%09%88%09%82%000004>  
(accessed December ۱۶, ۲۰۲۴).

### English

۱. Berdine, Michael D., *Redrawing the Middle East: Sir Mark Sykes, Imperialism and the Sykes-Picot Agreement*, Bloomsbury, ۲۰۱۹.
۲. CSS, *The Syrian Civil War: Between Escalation and Intervention*, CSS Analysis in security policy, ETH Zurich, No ۱۲۴, November ۲۰۱۲, p. ۲.
۳. Friedman, Yaron, *The separatist Alawi petition to the French Prime Minister Léon Blum* (۱۹۳۶): reliability, background and aftermath, *Routledge Middle Eastern Studies*, ۲۰۲۴, ۶۰ (۳), pp. ۴۴۴-۴۶۳.

<sup>۲۹</sup> Zelin, Aaron Y., English translation of the HTS-al-Jazeera interview, ۵:۵۰ p.m., May ۳۱, ۲۰۱۸. Available at: <https://x.com/azelin/status/۱۰۰۲۱۷۸۰۴۰۹۰۵۰۴۳۹۶۸> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

Hassan, Hassan. Jabhat Al Nusra and Al Qaeda: The Riddle, the Ruse and the Reality. The .ε  
Available at: National, November 1, 2017.

<https://www.thenationalnews.com/opinion/comment/jabhat-al-nusra-and-al-qaeda-the-riddle-the-ruse-and-the-reality-1.1v2221> (accessed December 17, 2024).

Hinnebusch, Raymond, Syria: Revolution from Above, Routledge, 2011. .ο

Hof, Frederic C., Simon, Alex, Sectarian Violence in Syria's Civil War: Causes, Consequences, .6  
and Recommendations for Mitigation, 2013, The Center for the Prevention of Genocide,  
United States Holocaust Memorial Museum. available at:

<https://www.ushmm.org/m/pdfs/2013-2015-syria-report.pdf> (accessed December 17, 2024).

Jones, Seth G., Vallee, Charles, Markusen, Maxwell B., Al Qaeda's Struggling Campaign in .7  
Syria: Past, Present, and future, April 4, 2018, CSIS. Available at: [https://csis-website-](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/18-04-3_Jones_AlQaedaSyria_Web.pdf)

[prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/18-04-3\\_Jones\\_AlQaedaSyria\\_Web.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/18-04-3_Jones_AlQaedaSyria_Web.pdf)

(accessed December 17, 2024).

Lister, Charles, How al-Qa`ida Lost Control of its Syrian Affiliate: The Inside Story, 2018, in .8  
Paul Cruickshank (ed.), CTS Sentinel, The Combating Terrorism Center at West Point, 2018,  
pp. 1-9. Availavle at: [https://ctc.westpoint.edu/wp-content/uploads/2018/02/CTS-](https://ctc.westpoint.edu/wp-content/uploads/2018/02/CTS-Sentinel_Vol11Iss2-2.pdf)

[Sentinel\\_Vol11Iss2-2.pdf](https://ctc.westpoint.edu/wp-content/uploads/2018/02/CTS-Sentinel_Vol11Iss2-2.pdf) (accessed December 17, 2024).

Little, Douglas, Cold War and Covert Action: The United States and Syria, 1945-1968, *Middle* .9  
*East Journal* 44, no. 1, 1990, pp. 51-70. <http://www.jstor.org/stable/43228057>.

Pargeter, Alison, The Muslim Brotherhood: From Opposition to Power, Saqi, 2013. .10

Reuter, Christopher, Secret Files Reveal the Structure of Islamic State, Der Spiegel, April 18, .11

2015. [https://www.spiegel.de/international/middle-east/secret-files-reveal-the-structure-of-islamic-state-a-129274.html?ref=](https://www.spiegel.de/international/middle-east/secret-files-reveal-the-structure-of-islamic-state-a-129274.html?ref=re-xx-cp-sh)

[re-xx-cp-sh](https://www.spiegel.de/international/middle-east/secret-files-reveal-the-structure-of-islamic-state-a-129274.html?ref=re-xx-cp-sh) (accessed

December 17, 2024).

Seal, Patrick, McConville, Maureen, Asad of Syria: The Struggle for the Middle East, University .12  
of California Press, 1989.

Stevens, Paul, The 'Arab Spring' and Oil Markets, Expert Comment, Chatham House, 2023. .13

Available at: <https://www.chathamhouse.org/2023/02/arab-spring-and-oil-markets>

(accessed December 17, 2024).

Swayd, Samy, Historical Dictionary of the Druzes, Rowman & Littlefield, 2015. 14

Winter, Charlie, Al-Saud, Abdullah K., The Obscure Theologian Who Shaped ISIS, The Atlantic, 10

December 18, 2016. Available at:

<https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/12/isis-muhajir-syria/509399/>

(accessed December 17, 2024).

Winter, Stefan, A History of the 'Alawis From Medieval Aleppo to the Turkish Republic, 16

Princeton University Press, 2016, p. 207.

Zelin, Aaron Y., English translation of the HTS-al-Jazeera interview, 0:00 p.m., May 31, 2018. 17

Available at: <https://x.com/azelin/status/102178490543968> (accessed December 17,

2024).

## بخش دوم: سقوط دولت بشار الأسد

مقدمه

در بخش حاضر به علل سقوط بشار الأسد پرداخته می‌شود. این واقعه به‌طور غیرمنتظره‌ای جهانیان را شگفت‌زده کرده است. در مدت ۱۱ روز، شورشیان سوری تحت رهبری گروه هیأت تحریر الشام و رهبر آن، ابو محمد الجولانی (که اکنون با نام اصلی خود احمد حسین شرعه شناخته می‌شود)، توانستند آنچه که ۱۳ سال جنگ داخلی نتوانسته بود به دست آورد، عملی کنند. در ساعات اولیه روز ۷ دسامبر، این گروه دمشق را با کمترین مقاومت تصرف کرد و سلطنت خاندان اسد را به پایان رسانده و رئیس‌جمهور سوریه را به تبعید در روسیه فرستاد. سه عامل اصلی در این سقوط سریع و غیرمنتظره نقش داشتند: (۱) ضعف دولت سوریه (گفتار نخست) (۲) چندپارگی قدرت بشار اسد (گفتار دوم) (۳) وابستگی به متحدان خارجی (گفتار سوم). از سویی دیگر قدرت‌های خارجی دیگری نیز حضور داشتند که حامی مخالفان الأسد بودند (گفتار چهارم). ترکیب این عوامل باعث شد که سقوط حکومت الأسد به‌طور سریع و غیرمنتظره رخ دهد. در واقع، اگرچه اسد و متحدانش در سال‌های گذشته توانسته بودند به‌طور موقت وضعیت را تثبیت کنند، اما این سه عامل موجب فروپاشی نظام وی و پایان حکومت خاندان الأسد در سوریه شد.

گفتار نخست: ضعف دولت سوریه

حکومت بشار اسد، همانند حکومت پدرش حافظ اسد، با ویژگی‌هایی خاص و چالش‌های ساختاری روبه‌رو بود که موجبات تضعیف آن را فراهم آورد. از زمان روی کار آمدن حافظ اسد در سال ۱۹۶۳، این حکومت با تمرکز قدرت در دست گروهی خاص از اقلیت علوی، به‌طور قابل توجهی با اکثریت سنی سوریه بی‌اعتمادی ایجاد کرد. این ویژگی‌ها نه تنها به سرکوب مخالفان داخلی کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز بروز بحران‌ها و درگیری‌های گسترده در طول دوران حکومت بشار الأسد نیز شد.<sup>۳۰</sup>

<sup>۳۰</sup> Dzulhisham, Huzeir Ezekiel, Explaining the Collapse of Syria's Assad Regime, RSIS, Commentary, December ۱۳, ۲۰۲۴, pp. ۱-۴. Available at: <https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/۲۰۲۴/۱۲/CO۲۴۱۹۳.pdf> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حکومت الأسد، استبدادی بودن آن و تمرکز قدرت در دست اقلیت علوی بود. این گروه که تنها ۱۰ تا ۱۳ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، در ارکان کلیدی نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار داشتند. حاکمیت متمرکز و فرقه‌گرایانه موجب شد که سنی‌های اکثریت که ۷۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، از امکانات و فرصت‌های سیاسی محروم شوند و احساس بیگانگی از حکومت پیدا کنند.<sup>۳۱</sup> این نارضایتی در طول زمان به شکاف‌های عمیقی میان اقلیت‌ها و اکثریت‌های سوریه منجر شد. مضاف بر آن، حکومت اسد برای حفظ موقعیت خود، اعضای خانواده و نزدیکان علوی را در پست‌های کلیدی نظامی و دولتی قرار داد و این رویکرد باعث ایجاد فساد و تبعیض گسترده در دستگاه حکومتی شد.<sup>۳۲</sup>

علاوه بر موارد فوق، روش‌های حکومتی حافظ اسد که بر اساس اصول حزب بعث و ایجاد یک دولت سکولار با رهبری متمرکز بود، به تدریج به جدایی و بی‌اعتمادی بیشتر در میان مردم انجامید. در واقع، ائتلاف حکومت با حزب بعث و تأسیس یک حکومت سکولار به‌ویژه در شرایطی که گروه‌های مذهبی و سیاسی مختلف در کشور وجود داشتند، سبب بی‌اعتنایی به حقوق سایر اقلیت‌ها شد. این وضعیت باعث ایجاد جنبش‌های مخالف به‌ویژه جنبش‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های جهادی شد که در نهایت به سرکوب‌های خونین و جنگ‌های داخلی در دهه‌های بعدی منتهی شد.<sup>۳۳</sup>

در دهه ۱۹۸۰، در پی قیام‌هایی که به‌ویژه از سوی اخوان المسلمین شکل گرفت، حکومت الأسد به شدت دست به سرکوب زد و یکی از فاجعه‌بارترین کشتارها یعنی قتل‌عام حماه در ۱۹۸۲ را رقم زد که منجر به کشته شدن بین ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر شد. علی‌رغم سرکوب‌های شدید، حکومت الأسد نتوانست از بروز موج‌های جدید نارضایتی جلوگیری کند و بحران‌هایی همچون قیام‌های عربی در ۲۰۱۱، باعث آغاز جنگ داخلی سوریه و ورود گروه‌های مخالف به عرصه نبرد شد.<sup>۳۴</sup>

در دوران بشار الأسد، این مشکلات همچنان ادامه داشت و حتی بدتر شد. اگرچه بشار الأسد در ابتدای حکومت خود تلاش کرد تا تصویر یک دولت مدرن و اصلاح‌طلب از خود ارائه دهد، اما مشکلات اقتصادی و ضعف‌های داخلی همچنان بر قدرت او سایه انداخت.

---

<sup>۳۱</sup> European Union Agency for Asylum (EUAA), Country Guidance Syria ۲۰۲۳, EUAA, ۲۰۲۳. Available at: <https://euaa.europa.eu/country-guidance-syria-۲۰۲۳/۴۱۰۴-alawites> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۳۲</sup> Yates, Douglas A. Dynastic rule in Syria and North Korea: Nepotism, succession, and sibling rivalry. *International Political Science Review*, ۲۰۲۲, ۴۳(۳), pp. ۴۵۰-۴۶۳. <https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۰۱۹۲۵۱۲۱۲.۹۷۸۵۶۲>

<sup>۳۳</sup> Ibid.

<sup>۳۴</sup> European Union Agency for Asylum (EUAA), Country Guidance Syria ۲۰۲۴, EUAA, ۲۰۲۴. Available at: <https://euaa.europa.eu/country-guidance-syria-۲۰۲۴/۸۱۲-muslim-brotherhood-uprising-syria-۱۹۷۹-۱۹۸۲-which-comprised-hama-massacre-february-۱۹۸۲#:~:text=Islamist%۲۰resistance%۲۰to%۲۰the%۲۰Assad,warfare%۲۰and%۲۰large%۲۰uprisings.> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

از سال ۲۰۱۱، زمانی که موج اعتراضات مردمی به حکومت الأسد رسید، حکومت با تکیه بیشتر بر نیروی نظامی و حمایت‌های خارجی، به‌ویژه از ایران و روسیه، سعی در حفظ نظم داخلی را داشت. اما این حمایت‌ها ضعف‌های بنیادی نظام را در مقابل توطئه داخلی پوشش نداد.<sup>۳۵</sup>

مشکلات اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی نیز به بدتر شدن وضعیت اقتصادی سوریه دامن زد. ارزش ملی سوریه به شدت کاهش یافت و نرخ تورم در سال‌های اخیر به حدی رسید که بخش بزرگی از جمعیت کشور در فقر به سر می‌بردند. این فشارهای اقتصادی، علاوه بر بی‌اعتمادی عمومی، موجب شد که حکومت اسد توانایی لازم برای حمایت از هواداران خود را نداشته باشد و فشارهای اجتماعی همچنان ادامه یافت.<sup>۳۶</sup>

این مشکلات ساختاری و ناتوانی حکومت اسد در بازسازی نهادهای دولتی و اقتصادی، به افت شدید جایگاه او در میان مردم منجر شد. اگرچه حکومت با کمک‌های خارجی توانست برخی از مناطق را حفظ کند، اما به‌طور کلی وضعیت داخلی سوریه همچنان شکننده و بحران‌زده باقی ماند. به‌ویژه، فساد گسترده و توزیع ناعادلانه منابع، موجب شد که حکومت اسد نتواند در برابر فشارهای داخلی و خارجی مقاومت کند و به تدریج پایگاه مردمی خود را از دست دهد.

گفتار دوم: افول قدرت الأسد

از آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، سوریه به مناطق تحت کنترل جنگ سالاران شورشی و ژنرال‌های ضد حکومت تقسیم شده بود. قبل از سقوط حکومت اسد در ۷ دسامبر، سه گروه جزو با نفوذترین شورشیان بودند: ارتش ملی سوریه، ائتلافی که از ارتش آزادی‌بخش سوریه ایجاد شده بود و توسط ترکیه حمایت می‌شد. نیروی سوریه دموکراتیک، گروهی متشکل از شبه نظامیان کُرد مورد حمایت ایالات متحده و تحریر الشام، یک گروه اسلام‌گرای سلفی که از درون القاعده برخاست. با وجود متفرق بودن گروه‌های مذکور و درگیری‌های متعدد آنان، اما آنها نماینده منابع جایگزین قدرت بودند که با حکومت الأسد بر سوریه رقابت می‌کردند. تحریر الشام یک دولت فعال به نام دولت نجات سوریه را در داخل قلمرو خود، ادلب، تشکیل داد که آموزش، مسکن عمومی و خدمات آب و برق را فراهم می‌کرد.

<sup>۳۵</sup> Ibid.

<sup>۳۶</sup> World Bank Group, Syria: Growth Contraction Deepens and the Welfare of Syrian Households Deteriorates, May ۲۴, ۲۰۲۴. Available at: <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/۲۰۲۴/۰۵/۲۴/syria-growth-contraction-deepens-and-the-welfare-of-syrian-households-deteriorates> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).



گفتار سوم: حمایت قدرت‌های خارجی از مخالفان الأسد

در براندازی هر حکومتی، حمایت خارجی دخیل است. جمله اخیر شاهدهی است بر حمایت همه‌جانبه دولت‌های رقیب ایران و روسیه که برای کسب منافع و نفوذ بیشتر در منطقه غرب آسیا به حمایت از مخالفان الأسد علی‌رغم گرایش افراطی آنان به ایدئولوژی سلفی‌گری پرداختند. در گفتار حاضر حمایت ترکیه از کردها و ائتلاف ۷ دسامبر و همچنین نقش ایالات متحده آمریکا در این براندازی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند نخست: اردوغان، ترکیه، عثمانی نوین؟

ترکیه در سال‌های اخیر به شمال سوریه نفوذ بسیار داشته است در یک نگاه کلی، نگاه ترکیه به همسایه جنوبی خود، همچون دیدگاه دولتی است که سرزمینی از آن جدا شده است. ترکیه طولانی‌ترین مرز را با سوریه در میان همسایگان خود دارد. نزدیکی ترکیه به رژیم صهیونیستی و در پی آن راه حل کسب منفعتی که اردوغان از طریق رژیم صهیونیستی یافته است، و ازسویی دیگر مانع‌انگاری محور مقاومت در مراودات تجاری میان ترکیه و رژیم صهیونیستی، موجب شد تا اردوغان دست به حمایت از مخالفان بشار الأسد بزند.

پیشینه این روابط را ابتدا در شناسایی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۹ توسط ترکیه می‌توان مشاهده نمود.<sup>۳۸</sup> همچنین در سال ۱۹۵۸ داوید بن‌گوریون و عدنان مندرس، با یکدیگر دیداری داشتند و این دیدار موجب انعقاد توافقی برای همکاری میان موساد و سازمان اطلاعات ملی ترکیه (MIT)<sup>۳۹</sup> شد.<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۸</sup> Ulutaş, Ufuk Turkey-Israel: A Fluctuating Alliance, SETA: Foundation for Political, Economic and Social Research, No. ۴۲, January, ۲۰۱۰. Available at: [https://web.archive.org/web/۲۰۱۳۱۰۲۰۰۳۰۸۱۲/http://setadc.org/pdfs/SETA\\_Policy\\_Brief\\_No\\_۴۲\\_Turkey\\_Israel\\_Fluctuating\\_Ufuk\\_Ulutas.pdf](https://web.archive.org/web/۲۰۱۳۱۰۲۰۰۳۰۸۱۲/http://setadc.org/pdfs/SETA_Policy_Brief_No_۴۲_Turkey_Israel_Fluctuating_Ufuk_Ulutas.pdf) (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۳۹</sup> Millî İstihbarat Teşkilatı (MIT)

<sup>۴۰</sup> Raviv, Dan, Melman, Yossi, Spies Against Armageddon, Levant Books, ۲۰۱۰, p. ۴۷.



بنابراین پیشران این حمایت از گروه‌های مخالف الأسد، پیشبرد اهداف تجاری ترکیه است. از سوئی دیگر، رجب طیب اردوغان، یکی از چهره‌های مهم در زیست سیاسی ترکیه نوین تبدیل شده است که در نگاه طرفداران خود چهره‌ای مقتدر و عمل‌گرا است<sup>۴۱</sup> و در نگاه جریان‌های عثمانی‌گرا،<sup>۴۲</sup> اردوغان، قهرمان بازگشت به عصر شکوه عثمانی است. از این رو می‌توان حمایت ترکیه از مخالفان بشار الأسد را سودای عثمانی نوین در افکار رجب طیب اردوغان دانست.

بند دوم: ایالات متحده آمریکا و رقابت با ایران

ایالات متحده آمریکا (زین پس آمریکا) در سال ۲۰۱۱ هم‌زمان با بهار عربی وارد خاک سوریه شد و در جنگ علیه تروریسم داعش شرکت داشت. در میانه این مخاصمه، حضور دولت حامی بشار الأسد یعنی ایران نیز مشاهده می‌شد. اما در خصوص سقوط بشار الأسد و خاتمه حکومت خاندان الأسد بر سوریه آمریکا چه نقشی داشت؟ و چه ارتباطی میان حضور آمریکا در سوریه پس‌الاسد با رقابت این دولت با روسیه و ایران دارد؟ در گفتار حاضر با بررسی سیر حضور آمریکا در دهه اخیر در سوریه و بررسی روابط این دولت با ایران و روسیه به پاسخ به دو سوال مطروحه دست خواهیم یافت.

بند نخست: حضور آمریکا در سوریه

آمریکا در سال ۲۰۱۴ و به دلیل «جنگ علیه تروریسم»<sup>۴۳</sup> به همراه ائتلافی از هم‌پیمانانش (ترکیه، فرانسه، کانادا، استرالیا و اردن)، وارد قلمرو سرزمینی سوریه شده و درون سوریه نیز از اپوزیسیون سوری و نیروهای دموکراتیک سوریه حمایت به عمل آورده است.<sup>۴۴</sup> اما تا سال ۲۰۱۷ هدف آمریکا نیروهای دولتی سوری نبودند. در ۷ آوریل ۲۰۱۷، پایگاه هوایی الشعیرات هدف موشک‌های ارتش

<sup>۴۱</sup> گل محمدی، ولی، سجادپور، سید محمد کاظم، موسوی شفائی، مسعود، اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۳، ۱۳۹۵، صص ۷۰-۹۲.

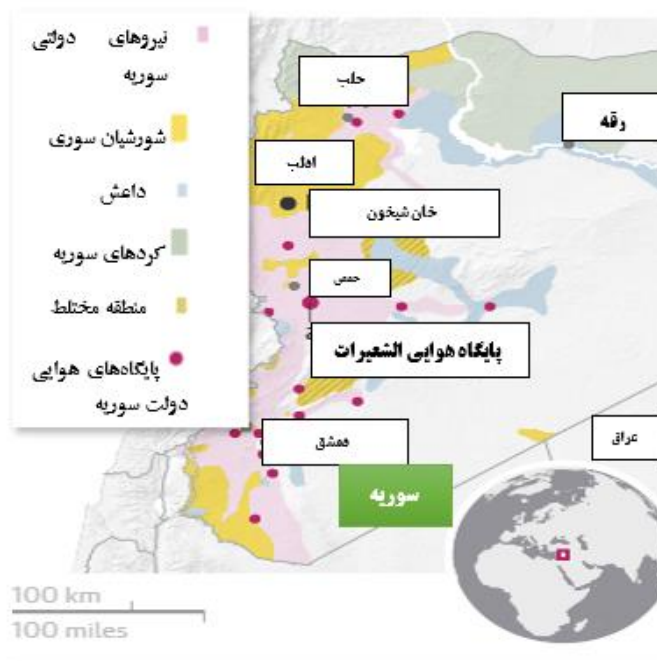
<sup>۴۲</sup> ریگی درخشان، محمد، چهار جریان فکری بارز؛ اواخر دوره عثمانی تا ظهور جمهوری در ترکیه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۷ خرداد ۱۴۰۱. قابل مشاهده در:

<https://www.cmess.ir/Page/View/۲۰۲۲-۰۵-۲۸/۵۰۹۶> (accessed December ۱۷, ۲۰۲۴).

<sup>۴۳</sup> جنگ علیه تروریسم (به انگلیسی: War on Terror)، اصطلاحی است که توسط جورج بوش در نتیجه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای مقابله با القاعده ترویج یافت.

<sup>۴۴</sup> Mazzetti, Mark, Goldman, Adam, Schmidt, Michael S., Behind the Sudden Death of a \$۱ Billion Secret C.I.A. War in Syria, The New York Times, August ۲, ۲۰۱۷. Available at: <https://www.nytimes.com/۲۰۱۷/۰۸/۰۲/world/middleeast/cia-syria-rebel-arm-trump.html> (accessed December ۱۸, ۲۰۲۴).

آمریکا قرار گرفت. این اقدام به طور رسمی نخستین حمله نظامی آمریکا به نیروهای دولتی سوریه بود.<sup>۴۵</sup> حمله اخیرالذکر در واقع اقدام حمایتی از اپوزیسیون سوریه بود.



موقعیت پایگاه هوایی الشعیرات در دوران ناآرامی‌ها در سوریه

<sup>۴۵</sup> Ackerman, Spencer, Jacobs, Ed Pilkington Ben, Washington, Julian Borger, Syria missile strikes: US launches first direct military action against Assad, The Guardian, April ۷, ۲۰۱۷. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/07/trump-syria-missiles-assad-chemical-weapons> (accessed December ۱۸, ۲۰۲۴)



### موقعیت پایگاه هوایی الشعیرات

اواسط ژانویه ۲۰۱۸، دولت ترامپ قصد خود را برای حفظ حضور نظامی طولانی در سوریه برای دستیابی به اهداف سیاسی ایالات متحده، از جمله مقابله با نفوذ ایران و برکناری رئیس جمهور سوریه بشار الأسد، نشان داد.<sup>۴۶</sup> این اقدام آمریکا را می‌توان چنین تعبیر نمود که با ظهور ایران به‌عنوان قدرتی نوظهور در جهان و در پی تثبیت خود به‌عنوان قدرت نخست منطقه، به رقابت با ایران پرداخته و مسیر تحولات جهانی از سوی ایران را به تعویق بیندازد یا منحرف نماید. آمریکا به این نتیجه رسید که ایران خطری برای اجرایی شدن و یا به‌عبارتی دیگر پایدار ماندن «دکترین ولفوویتز»<sup>۴۷</sup> و تک ابرقدرت بودن آمریکا در جهان تک‌قطبی است.

<sup>۴۶</sup> Borger, Julian, Wintour, Patrick, Shaheen, Kareem, US military to maintain open-ended presence in Syria, Tillerson says, The Guardian, January ۱۷, ۲۰۱۸. Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/۲۰۱۸/jan/۱۷/us-military-syria-isis-iran-assad-tillerson> (accessed December ۱۸, ۲۰۲۴).

<sup>۴۷</sup> دکترین ولفوویتز (به انگلیسی: Wolfowitz Doctrine)، نسخه نخستین برنامه دفاعی آمریکا در سال‌های مالی ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ بود که توسط پاول ولفوویتز، معاون امور سیاست دفاعی وزارت دفاع آمریکا، در ۱۸ فوریه سال ۱۹۹۲ نوشته شد و در ۷ مارس همان سال توسط نیویورک تایمز افشا شد. مفاد این سند، گویای آن است که آمریکای پسا شوروی، به یکجانبه‌گرایی روی آورد و با تقسیم کار میان دولت‌های همسو با آمریکا و تعیین دولت‌های دوست و دشمن انزوگرایی خود را ابراز نماید و تنها ابرقدرت جهان آمریکا باشد. در باب تقسیم کار توصیه شده در سند مذکور، می‌توان به سرمایه‌گذاری در صنعت خودرو در آلمان و فرانسه اشاره نمود. در این سند پیش‌بینی شده بود که گروه‌های تروریستی از منطقه غرب آسیا و آسیای مرکزی عمدتاً سر برمی‌آورند. برای دسترسی به متن نک.:

بند دوم: نقش آمریکا در سقوط بشار الأسد

مسئله دیگری که مطرح می‌شود، نقش آمریکا در سقوط دولت بشار الأسد است. با نگاه به سابقه آمریکا در مقابله با جریان‌های سوسیالیستی و یا کمونیستی در جهان، می‌توان این سقوط را با انقلاب نیکاراگوئه و نقش مرکز اطلاعات آمریکا (سیا) یکسان دانست.<sup>۴۸</sup> اما این بار نقش حمایتی کم‌رنگ‌تری نسبت به ترکیه ایفا نمود. آمریکا هنوز هیچ موضع قاطعی در مورد اینکه آیا این تغییر برای ایالات متحده مناسب است یا خیر ارائه ننموده است، سقوط بشار الأسد امکان بهبود روابط بین ایالات متحده و سوریه را باز می‌کند، اما این تا حد زیادی به رهبری جدید بستگی دارد. در سوریه هیئت تحریر الشام، گروهی که سرنگونی الأسد را رهبری کرد، به شیوه‌ای مقتدرانه در منطقه سوریه که قبلاً تحت کنترل آن بود، حکومت کرده است. داعش همچنان موضوعی نگرانی‌کننده برای آمریکا است.<sup>۴۹</sup> آمریکا در روزهای پس از سقوط بشار الأسد، در تلاش برای جلوگیری از دست‌یازی داعش به قدرت با هدایت مجموعه‌ای از حملات به مواضع داعش در سوریه از قدرت‌گیری این گروه جلوگیری نمود.

<https://www.archives.gov/files/declassification/iscap/pdf/۲۰۰۸-۰۰۳-docs۱-۱۲.pdf> (accessed December ۱۸, ۲۰۲۴).

<sup>۴۸</sup> فعالیت‌های سیا در نیکاراگوئه در اواخر قرن بیستم مکرر بود. نفوذ روزافزون جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستا، یک حزب سیاسی چپ‌گرا و ضد امپریالیست در نیکاراگوئه، به کاهش شدید روابط نیکاراگوئه و ایالات متحده، به ویژه پس از انقلاب نیکاراگوئه منجر شد. در سال ۱۹۸۱، رئیس جمهور رونالد ریگان به آژانس اطلاعات مرکزی اجازه داد تا از کنتراها، یک گروه سیاسی راست‌گرای نیکاراگوئه برای مبارزه با نفوذ ساندینیستاها در دولت نیکاراگوئه حمایت کند. شورشیان مختلف ضد دولتی در نیکاراگوئه به دستور سیا در نیروهای دموکراتیک نیکاراگوئه، اولین گروه کنترا سازماندهی شدند. سیا همچنین به کنتراها آموزش و تجهیزات، از جمله مواد مربوط به شکنجه و ترور را تأمین می‌کرد. همچنین ادعاهایی مبنی بر دست داشتن سیا در قاچاق مواد مخدر در نیکاراگوئه وجود دارد. در سال ۱۹۸۴، دولت وقت نیکاراگوئه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا اقامه دعوا نمود و به‌استناد نقض حقوق بین‌الملل عرفی و نقض فاحش منشور ملل متحد مبنی بر عدم مداخله در امور کشورها (اصل عدم مداخله) آمریکا را مسئول تأمین مالی کنتراها (شورشیان نیکاراگوئه) قلمداد نمود. برای دستیابی به متن رأی دیوان رک.:

Cour International de Justice, *Affaire des Activités Militaires et Paramilitaire au Nicaragua et Contre Celui-Ci* (Nicaragua c. États-Unis D'Amérique), CIJ Recueil, ۲۷ Juin, ۱۹۸۶. Visible sur: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/V/۰۷-۰۷-۱۹۸۶-۶۲۷-JUD-۰۱-۰۰-FR.pdf> (consulté le ۱۸ décembre ۲۰۲۴).

<sup>۴۹</sup> Tama, Jordan, *US Role in Syria Unclear in Wake of Assad's Fall From Power*, American University, December ۱۲, ۲۰۲۴. Available at: <https://www.american.edu/sis/news/۲۰۲۴۱۲۱۲-us-role-in-syria-unclear-in-wake-of-assad-s-fall-from-power.cfm> (accessed December ۱۸, ۲۰۲۴).



[contraction-deepens-and-the-welfare-of-syrian-households-deteriorates](#) (accessed December 17, 2024).

Al Jazeera, Mapping who controls what in Syria, December 1, 2024. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2024/12/1/who-controls-what-in-syria-in-maps> (accessed December 17, 2024).

Ulutaş, Ufuk Turkey-Israel: A Fluctuating Alliance, SETA: Foundation for Political, Economic and Social Research, No. 42, January, 2010. Available at: [https://web.archive.org/web/2013102023112/http://setadc.org/pdfs/SETA\\_Policy\\_Brief\\_No\\_42\\_Turkey\\_Israel\\_Fluctuating\\_Ufuk\\_Ulutas.pdf](https://web.archive.org/web/2013102023112/http://setadc.org/pdfs/SETA_Policy_Brief_No_42_Turkey_Israel_Fluctuating_Ufuk_Ulutas.pdf) (accessed December 17, 2024).

Raviv, Dan, Melman, Yossi, Spies Against Armageddon, Levant Books, 2010, p. 47.  
Mazzetti, Mark, Goldman, Adam, Schmidt, Michael S., Behind the Sudden Death of a \$1 Billion Secret C.I.A. War in Syria, The New York Times, August 2, 2017. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/08/02/world/middleeast/cia-syria-rebel-arm-train-trump.html> (accessed December 18, 2024).

Ackerman, Spencer, Jacobs, Ed Pilkington Ben, Washington, Julian Borger, Syria missile strikes: US launches first direct military action against Assad, The Guardian, April 7, 2017. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/07/trump-syria-missiles-assad-chemical-weapons> (accessed December 18, 2024)

Borger, Julian, Wintour, Patrick, Shaheen, Kareem, US military to maintain open-ended presence in Syria, Tillerson says, The Guardian, January 17, 2018. Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/2018/jan/17/us-military-syria-isis-iran-assad-tillerson> (accessed December 18, 2024).

Defense Planning Guidance of the Fiscal Year 1998-1999 *aka* Wolfowitz Doctrine, 1992. Available at: <https://www.archives.gov/files/declassification/iscap/pdf/2008-03-docs-1-12000> (accessed December 18, 2024).

Tama, Jordan, US Role in Syria Unclear in Wake of Assad's Fall From Power, American University, December 12, 2024. Available at: <https://www.american.edu/sis/news/20241212-us-role-in-syria-unclear-in-wake-of-assad-s-fall-from-power.cfm> (accessed December 18, 2024).

**Français**

Cour International de Justice, Affaire des Activités Militaires et Paramilitaire au Nicaragua et •  
Contre Celui-Ci (Nicaragua c. États-Unis D'Amérique), CIJ Recueil, 27 Juin, 1986.

## بخش سوم: سناریوهای پیش روی سوریه و قدرتهای خارجی

مقدمه

با سقوط بشار الأسد سوریه و جامعه بین‌المللی دچار تحولاتی چند خواهند شد. سناریو نگاری یا آینده‌نگاری امری است که در آینده‌پژوهی در تمامی عرصه‌های حرفه‌ای مورد استفاده متخصصان است. در بخش حاضر از این نوشتار، سناریوهای پیش روی سوریه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. سناریوهایی که در خصوص امور داخلی و خارجی محتمل هستند و روابط و مناسبات میان سوریه و قدرتهای خارجی را تعیین می‌کنند. در گفتار نخست این بخش، به تحولات سیاسی و بازسازی سوریه و تحولات حقوق بشر در عرصه داخل پرداخته می‌شود و در گفتار دوم سیاست خارجی سوریه در قبال پنج کشور ایران، روسیه، ایالات متحده آمریکا و ترکیه مورد بررسی و پیش‌بینی قرار می‌گیرد.

گفتار نخست: سناریوهای داخلی

در این گفتار سناریوهای محتمل که در عرصه داخلی سوریه رخ خواهد داد مورد بررسی قرار خواهند گرفت. سناریوهای مطروحه در خصوص دو مقوله هستند که در قالب این گفتار بررسی خواهند شد. دو مقوله مذکور عبارتند از: (۱) تحولات در ساختار سیاسی سوریه و (۲) وضعیت حقوق بشر در سوریه.

سیاست داخلی سوریه در دوران حکومت بشار الأسد، به‌ویژه پس از به‌قدرت رسیدن او در سال ۲۰۰۰، به طور عمده بر اساس یک سیستم اقتدارگرایانه و امنیتی اداره می‌شد. در این دوران، نهادهای دولتی سوریه عمدتاً به ابزاری برای حفظ قدرت شخصی الأسد تبدیل شدند و هیچگونه اصلاحات واقعی در سیستم حکومتی صورت نگرفت.<sup>۵۰</sup>

---

<sup>۵۰</sup> Alghannam, Hesham, Border Traffic: How Syria Uses Captagon to Gain Leverage Over Saudi Arabia, Malcolm H. Kerr Carnegie Middle East Center, July ۹, ۲۰۲۴. Available at: <https://carnegieendowment.org/research/۲۰۲۴/۰۷/border-traffic-how-syria-uses-captagon-to-gain-leverage-over-saudi-arabia?lang=en&center=middle-east> (accessed December ۲۱, ۲۰۲۴).



در کنار بحران‌های داخلی، حکومت بشار الأسد از حمایت‌های خارجی کشورهایمانند ایران و روسیه بهره می‌برد. ایران به عنوان یک متحد استراتژیک، به الأسد در تقویت نیروهای نظامی و تأمین منابع مالی کمک کرد، در حالی که روسیه از نظر نظامی و دیپلماتیک از حکومت الأسد پشتیبانی می‌کرد. این حمایت‌ها برای حفظ حکومت الأسد حیاتی بودند، اما در نهایت، حتی این کمک‌ها نتوانست از فروپاشی کامل حکومت جلوگیری کند. ایران و روسیه در ابتدا به دفاع از الأسد پرداختند<sup>۵۱</sup> اما با گذشت زمان و شکست‌های متعدد بشار الأسد در میدان جنگ، معلوم شد که حکومت الأسد به شدت آسیب‌پذیر است و دیگر قادر به حفظ یکپارچگی کشور نیست.

جنگ داخلی سوریه که از ۲۰۱۱ آغاز شد، تأثیرات ویرانگری بر این کشور گذاشت. درگیری‌ها نه تنها به تلفات جانی وسیع منجر شد، بلکه زیرساخت‌های حیاتی کشور، از جمله بیمارستان‌ها، مدارس، نیروگاه‌ها و جاده‌ها، به طور گسترده‌ای تخریب شدند. این جنگ همچنین موجب آوارگی میلیون‌ها نفر و پیدایش بحران پناهندگان در داخل و خارج از کشور شد. به طور کلی، جنگ داخلی سوریه موجب بحران اقتصادی و اجتماعی شد و بسیاری از مناطق کشور به زمین‌های جنگی تبدیل شدند. مردم سوریه در این دوران تحت ظلم، قحطی و جنگ‌های مداوم قرار گرفتند و بخش زیادی از جمعیت در تلاش برای یافتن پناهگاهی امن، به کشورهای همسایه یا اروپا مهاجرت کردند. وضعیت کنونی سوریه که با فروپاشی حکومت الأسد در پی آمده‌ای جنگ داخلی همراه است، یک فرصت برای بازسازی و تغییرات سیاسی ایجاد کرده است.

به‌رغم چالش‌های عظیمی که سوریه در دوران پس از الأسد با آن مواجه است، سقوط حکومت او می‌تواند به عنوان یک نقطه آغاز برای تغییرات بزرگتر در سیاست داخلی کشور باشد. پس از پایان دوران الأسد، ممکن است فرصتی برای تشکیل یک دولت موقت و انتقالی فراهم شود که به بازسازی کشور کمک کند. البته، این مسیر به شدت بستگی به همکاری بازیگران مختلف داخلی و بین‌المللی، از جمله گروه‌های مخالف و قدرت‌های خارجی مانند ترکیه و ایالات متحده، خواهد داشت. مردم سوریه که در سال‌های اخیر سختی‌های فراوانی را تحمل کرده‌اند، اکنون امید دارند که آینده‌ای بهتر و شایسته‌تر برای خود بسازند.<sup>۵۲</sup>

پس از سقوط بشار الأسد، سوریه وارد مرحله‌ای پیچیده و نامشخص از تحولات سیاسی خواهد شد. ساختار سیاسی این کشور که به شدت تحت سلطه حکومت الأسد و نهادهای امنیتی آن قرار داشت، اکنون با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. پس از سال‌ها جنگ

<sup>۵۱</sup> Fassihi, Farnaz, In the Syrian Regime's Hour of Need, Its Patron Iran Makes an Exit, New York Times, December ۷, ۲۰۲۴. Available at: <https://www.nytimes.com/2024/12/07/world/middleeast/iran-syria-rebels.html> (accessed December ۲۱, ۲۰۲۴).

<sup>۵۲</sup> Al Jazeera, 'New history written' says HTS leader al-Julani in Syria victory speech, Al Jazeera, December ۸, ۲۰۲۴. Available at: <https://aje.io/r1gz0k> (accessed December ۲۱, ۲۰۲۴).

داخلی و سرکوب و با توجه به فروپاشی کامل ساختار حکومت، سوریه به احتمال زیاد به سمت یک فرآیند انتقالی و بازسازی می‌رود، هرچند که این فرآیند می‌تواند بسیار دشوار و طولانی باشد. در شرایط کنونی، اگر بازیگران داخلی و بین‌المللی قادر به توافق و هماهنگی باشند، ممکن است ساختار سیاسی جدیدی شکل بگیرد که شامل مشارکت گروه‌های مختلف مخالف و نمایندگان اقلیت‌ها باشد. از سوی دیگر، وجود قدرت‌های خارجی همچنان در سوریه می‌تواند مسیر تحولات را پیچیده و حتی منجر به رقابت‌های بیشتر برای نفوذ در این کشور شود.

#### انتقال به یک دولت موقت و وحدت ملی

یکی از سناریوهای محتمل، تشکیل یک دولت موقت و وحدت ملی است که شامل نمایندگانی از گروه‌های مختلف سوری، از جمله مخالفان، گروه‌های قومی و مذهبی مختلف و حتی برخی از اعضای دولت سابق باشد. چنین دولتی ممکن است با حمایت سازمان ملل متحد و کشورهای منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان سعودی تشکیل شود. هدف این دولت، برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه، بازسازی زیرساخت‌ها و ایجاد قانون و نظم در کشور خواهد بود. البته این سناریو مستلزم همکاری و مصالحه میان گروه‌های مختلف است که با توجه به تاریخ پرتنش سوریه، می‌تواند با مشکلات زیادی مواجه شود.

#### تقسیم کشور به مناطق تحت کنترل گروه‌های مختلف، رژیم صهیونیستی و ترکیه

یکی دیگر از سناریوها که ممکن است به وقوع بپیوندد، تقسیم سوریه به مناطق تحت کنترل گروه‌های مختلف است. گروه‌هایی مانند هیئت تحریر الشام در مرکز، نیروهای دموکراتیک سوریه به کمک و حمایت‌های پسینی ترکیه در نواحی شمالی و رژیم صهیونیستی در مناطقی از جنوب و غرب ممکن است کنترل بخش‌های مختلف کشور را در دست بگیرند. این سناریو می‌تواند منجر به یک سوریه غیرمتمرکز و شاید فدرالی شود، اما خطر جنگ‌های داخلی جدید و بی‌ثباتی طولانی‌مدت را به همراه خواهد داشت.

#### استقرار حکومتی تحت سلطه یکی از گروه‌های اسلام‌گرا

در این سناریو، ممکن است گروه‌های اسلام‌گرا مانند هیئت تحریر الشام یا دیگر گروه‌های سنی افراطی، با استفاده از ضعف دولت مرکزی و فروپاشی حکومت اسد، به قدرت برسند و کشور را تحت حکومتی اسلامی و افراطی اداره کنند. این سناریو تهدیدات زیادی برای اقلیت‌های مذهبی و قومی سوریه، به‌ویژه علوی‌ها و مسیحیان، به همراه خواهد داشت و احتمالاً منجر به بحران‌های انسانی و سیاسی جدید در منطقه خواهد شد. کشورهای غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن‌ها، مانند ترکیه، ممکن است برای جلوگیری از این سناریو تلاش کنند، اما پیچیدگی‌های منطقه‌ای و رقابت‌های قدرت، پیش‌بینی وضعیت آینده را دشوار خواهد کرد.

گفتار دوم: سناریوهای سیاست خارجی

در گفتار حاضر سناریوهای سیاست خارجی سوریه در قبال دولت‌هایی از جامعه بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد که متحد سوریه پیش و پس از سقوط بشار الأسد هستند. در این گفتار، به‌طور خاص به جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود و علاوه بر آن راهبردهایی نیز برای ایران پیشنهاد می‌گردد.

بند نخست: جمهوری اسلامی ایران

الف. سناریوهای پیش رو

با سقوط بشار الأسد، یکی از اعضا و بازوهای محور مقاومت، از بین رفته است. اما روابط دیپلماتیک و کنسولی قطع نشده است. بنابراین سناریوی محتمل برای ایران این است که همچون دولتی دوست برای سوریه باشد. اما «تمرکز ایران بر بازسازی محور مقاومت»<sup>۵۳</sup> همان‌گونه که «الی گرانیامیه» در مقاله خود ارائه نموده سناریویی است که می‌تواند با تقویت گروه‌های علوی سوریه بیشتر به واقعیت نزدیک شود. بنابراین تلاش ایران برای نفوذ و حفظ قدرت در سوریه امری محتمل است.

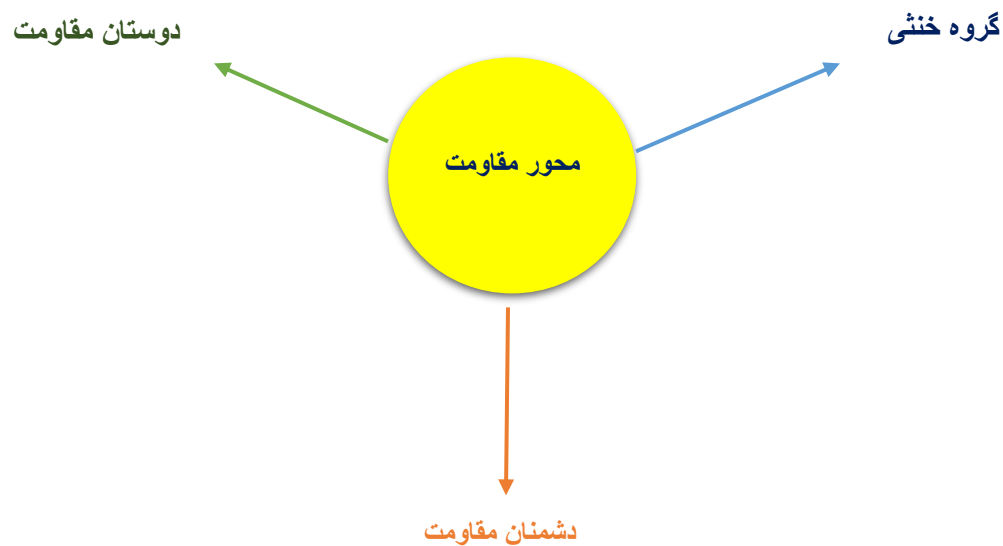
اما سناریوی دیگری که می‌تواند به ضرر ایران باشد، نگرش مذهبی الجولانی به روابط خارجی و سلفی‌گری در ایجاد روابط دوجانبه با ایران و دولت‌های شیعی است. در این سناریو قدرت نفوذ ایران در منطقه کاهش می‌یابد. قدرت بازدارندگی ایران در قبال رژیم صهیونیستی از طریق دو کشور سوریه و لبنان قابل اعمال بود. حال با وجود کریدور داوود در اندیشه‌های رژیم صهیونیستی‌ها، می‌بایست خطر حضور رژیم صهیونیستی در نزدیک‌ترین نقاط ایران را به‌سرعت دفع نمود.

ب. راهبردها برای ایران

حال با از دست دادن سوریه، بهترین شیوه تقویت دیپلماسی و رایزنی‌های سیاسی با دولت جدید سوریه است. تجارت آزاد، بهترین راه کار برای تقویت روابط ایران و سوریه است، چراکه به‌زعم کوردل هال، وزیر خارجه کابینه فرانکلین دلانو روزولت، تجارت آزاد مروج صلح است. حال که الجولانی مواضع سخت و افراطی نسبت به حکومت ایران اتخاذ نموده است، بهترین فرصت ارائه پیشنهادات برای تجارت نفت و کالا است.

<sup>۵۳</sup> Geranmayeh, Ellie, Iran's ۳ Possible Post-Assad Paths, Foreign Policy, December ۱۹, ۲۰۲۴. Available at: <https://foreignpolicy.com/۲۰۲۴/۱۲/۱۹/irans-۳-possible-post-assad-paths/> (accessed December ۲۲, ۲۰۲۴).

از سویی دیگر، تفکری دوباره برای تقویت محور مقاومت و تشکیل محوری جدید باشد. محور مقاومت در پی جنگ با رژیم صهیونیستی نیازمند تقویت است. بنابراین، لازمه مقاومت، تجدید قوا است. تجدید قوای لازم نیازمند تفکری دوباره و ایجاد شیوه‌ای جدید برای مقاومت است. به عبارتی دیگر، تقویت محور مقاومت، نیازمند تفکری عمیق است. در این تفکر می‌بایست جایگاه خاصی برای دیپلماسی قائل شد. در یک تقسیم‌بندی محور مقاومت با سه دسته کشور مواجه می‌شوند که در شکل زیر عناوین آن‌ها بدون عنوان کشور قید می‌شود.



شکل فوق بیان‌گر ترسیم محورهای سه‌گانه برای شناخت بهتر اطراف مقاومت است. حال برای پیشبرد این راهبرد می‌بایست به جمله‌ای از سیسرون، اندیشمند رومی اشاره نمود که در زمانی گفت «دوستان را نزدیک نگاه دار، دشمنان را نزدیک‌تر». در اصل می‌بایست به برخی دشمنان مقاومت نزدیک شد تا جایی که بتوان به زبان مشترک بین‌المللی یعنی «دیپلماسی» و به‌زعم فلاسفه شرق «با قلم» دشمنان را تضعیف نمود و منافع دوستان را نیز تضمین نمود.

در راهبردی دیگر برای ایران، می‌بایست خطرهای حضور رژیم صهیونیستی را از طریق دیپلماسی و حضور نظامی مجدد دفع کرد. خطرهای مذکور که از طریق کریدور داوود و حضور نظامی در جبل‌الشیخ برای حضور مؤثر ایران پیش‌بینی می‌شود، آن است که: (۱) رژیم صهیونیستی قصد رسیدن به «طرح یی‌نون»<sup>۵۴</sup> و در مقیاسی بزرگتر طرح رژیم صهیونیستی بزرگ (رژیم صهیونیستی کامل) را دارد که اولی براساس طرح یی‌نون و بازگشت به نقشه پادشاهی متحد رژیم صهیونیستی که مختص ۱۰۰۰ پیش از میلاد مسیح بوده است.

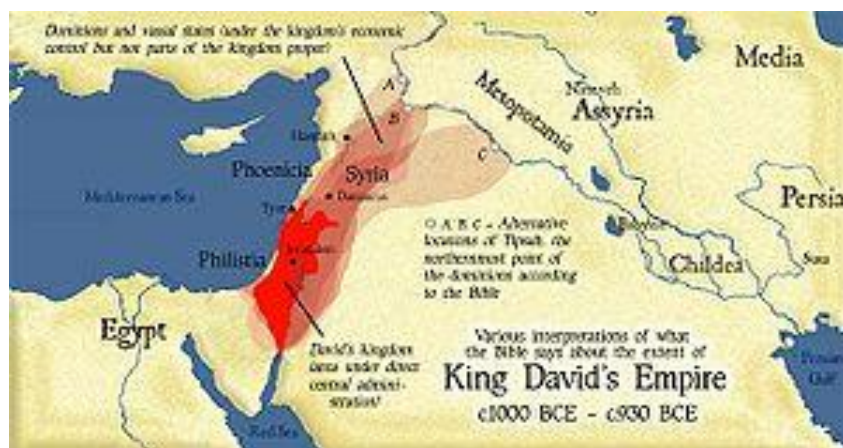
نقشه پادشاهی متحد اسرائیل که در ۱۰۰۰ پیش از میلاد مسیح طراحی شده بود



دومین مورد (رژیم صهیونیستی بزرگ یا سرزمین موعود) براساس فصل ۱۵ پیدایش در کتاب مقدس آیات ۱۸ تا ۲۲ تعیین شده است که می‌گوید: «آن روز خداوند با ابرام عهد بست و فرمود من این سرزمین را از مرز مصر تا رود فرات به نسل تو می‌بخشم»<sup>۵۵</sup> بر این اساس است که رژیم صهیونیستی قصد حضور در منطقه با اجرای طرح کریدور داوود را دارد. بنابراین راهبرد نظامی برای ایران و از سویی دیگر تقویت روابط با سوریه و ترکیه پیشنهاد می‌شود. نکته در خصوص ترکیه آن است که ترکیه نقش اساسی در پیشبرد

<sup>۵۴</sup> Yinon Plan

اهداف شورشیان سوری و نقش میانجی در میان اعراب و آفریقایی‌ها و اعراب با یکدیگر ایفا می‌کند. لذا در این راهبرد نیز می‌تواند حضور پررنگ داشته باشد. شایان گفتن است که کریدور داوود به جنوب ترکیه ختم می‌شود و از این نظر می‌توان ترکیه را از شرکت در طرح مذکور باز نگاه داشت که این امر در ید متخصصین دیپلماسی است.



نقشه پادشاهی رژیم صهیونیستی برگرفته از کتاب مقدس

راهبردی دیگر آن است که همچون ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری خود ائتلافی از دوستان و دشمنان ارائه کرد، ایران نیز به اتحاد با همسویان و دوری جستن از دشمنان با کاهش حجم تجارتي پردازد. این امر از ریسک و خطر بسیاری برخوردار است و چنین مسئله‌ای را نمی‌توان به راحتی اعمال نمود.

بند دوم: روسیه

سقوط بشار اسد در سوریه چالش‌های متعددی برای حفظ نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه در غرب آسیا ایجاد می‌کند. یکی از سناریوهای محتمل، کاهش حضور نظامی روسیه به حداقل ممکن است، به گونه‌ای که تنها پایگاه‌های طرطوس و حمیمیم حفظ شوند. در این سناریو، مسکو تلاش خواهد کرد از طریق مذاکره با دولت جدید یا گروه‌های مخالف، امنیت این پایگاه‌ها را تضمین کند. با این حال، احتمال پذیرش بلندمدت حضور روسیه از سوی رهبری جدید سوریه نامشخص است و کاهش حضور نظامی می‌تواند توانایی روسیه برای نمایش قدرت در منطقه را محدود کرده و اهداف استراتژیک آن را تضعیف کند.

سناریوی دیگر، دستیابی به توافق از طریق مذاکرات دیپلماتیک و ارائه امتیازات اقتصادی است. روسیه ممکن است با ارائه کمک‌های مالی یا کاهش قیمت انرژی، به دنبال تضمین حضور نظامی خود در سوریه باشد. این رویکرد می‌تواند امکان حضور کوتاه‌مدت را فراهم

کند، اما دشمنی‌های عمیق با روسیه به دلیل حمایت از حکومت اسد، موانع بزرگی برای همکاری بلندمدت ایجاد می‌کند. همچنین، رقابت‌های منطقه‌ای و فشارهای غربی، دستیابی به توافق پایدار را دشوارتر خواهد کرد.

روسیه ممکن است با سناریوی خروج کامل از سوریه مواجه شود. در این صورت، در صورت شکست مذاکرات، مسکو مجبور به تخلیه نیروهای خود خواهد شد یا خطر درگیری با نیروهای گروه‌های مخالف مانند هیئت تحریر الشام را به جان خواهد خرید. خروج کامل، تأثیرات منفی بزرگی بر عملیات نظامی و دریایی روسیه در غرب آسیا و آفریقا خواهد داشت و از دست دادن این پایگاه‌های استراتژیک، ضربه‌ای شدید به نفوذ مسکو در منطقه وارد خواهد کرد. انتخاب هر یک از این مسیرها به واکنش‌های داخلی، تحولات منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی بستگی دارد.

بند سوم: آمریکا

سقوط بشار الأسد می‌تواند آمریکا را در مقابل چندین سناریو قرار دهد که هر یک پیامدهای گسترده‌ای برای سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور به همراه دارند. یکی از مهم‌ترین سناریوها، افزایش نقش گروه‌های شبه‌نظامی و سلفی در سوریه است. با توجه به تجربه‌های گذشته، سقوط دولت‌های مرکزی در منطقه غرب آسیا اغلب زمینه‌ساز خلأ قدرت شده و گروه‌های افراطی مانند داعش یا القاعده فرصت یافته‌اند تا کنترل مناطق وسیعی را در دست گیرند. در این شرایط، آمریکا ممکن است مجبور شود حضور نظامی خود را در سوریه افزایش داده یا با همکاری متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اقدام به مداخله نظامی کند. البته این سناریو در حال حاضر قابل تأمل است ولیکن اینکه ورود آمریکا و ائتلاف ناشی از اتحاد سایرین را موجب کاهش و اسقاط تروریسم در منطقه بدانیم جای تفکر عمیق و منطقی دارد. چراکه در دهه‌های اول و دوم ۲۰۰۰ میلادی حضور آمریکا نه تنها از گسترش تروریسم و تفکرات افراطی جلوگیری نمود بلکه موجب شد تا گروه‌های و گروهک‌های تروریستی با رویکرد یکسان ولی گرایش اعتقادی مختلف و به‌قصد ترویج اسلام تشکیل شوند. موج این تفکرات آسیای میانه، شرق آسیا و شمال آفریقا را نیز در بر گرفته است.<sup>۵۶</sup>

سناریوی دیگر، تلاش آمریکا برای ایجاد یک دولت انتقالی یا حمایت از نیروهای مخالف میانه‌رو است. در این سناریو، واشنگتن ممکن است از طریق دیپلماسی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، نظیر سازمان ملل، سعی کند گذار سیاسی مسالمت‌آمیزی را در سوریه تسهیل کند. اما این مسیر با چالش‌های جدی مواجه است، از جمله رقابت بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، روسیه و ترکیه که ممکن

<sup>۵۶</sup> به‌طور نمونه به مسئله ظهور گروه‌های در آسیا و شمال آفریقا می‌توان اشاره نمود. گروه‌های تروریستی مانند: اتحاد محاکم اسلامی و مرابطون در شمال آفریقا و ابوسیف در شرق آسیا، القاعده در کشورها و مناطق مختلف مانند شبه قاره هند و عربستان یا گروه‌های تجزیه طلب مانند جنبش الاحوازیه.

است منافع خود را بر ایجاد یک سوریه باثبات ترجیح دهند. علاوه بر این، ضعف سازمانی و اختلافات داخلی میان گروه‌های مخالف سوری می‌تواند این تلاش‌ها را ناکام بگذارد و به درگیری‌های داخلی ادامه‌دار منجر شود.

سناریوی سوم، شکل‌گیری فضایی برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در سوریه است. در این حالت، آمریکا با گزینه‌های پیچیده‌ای روبه‌رو می‌شود: آیا برای حفظ نفوذ خود در منطقه به مقابله با ایران و روسیه ادامه دهد یا به دنبال توافق‌هایی برای تقسیم منافع در سوریه باشد؟ هر یک از این گزینه‌ها می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی داشته باشد، از جمله تشدید تنش‌ها با این قدرت‌ها یا کاهش اعتبار آمریکا در میان متحدان منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و کشورهای خلیج فارس. بنابراین چنین می‌توان برداشت نمود که پس از سقوط الأسد، آمریکا با دقت فراوانی بین مداخله، دیپلماسی و همکاری بین‌المللی توازن برقرار می‌کند تا از ایجاد بحران‌های بیشتر علیه خود جلوگیری نماید.

بند چهارم: ترکیه

سه سناریو پیش روی ترکیه است که با توجه به حمایت از هیئت تحریر الشام برای سقوط الأسد می‌توان ابراز نمود.

تقویت هیئت تحریر الشام و چالش‌های امنیتی جدید

با سقوط دولت بشار الأسد، خلأ قدرت در سوریه می‌تواند به تقویت گروه‌های مسلح مانند هیئت تحریر الشام منجر شود که ترکیه به‌طور غیرمستقیم از آن حمایت کرده است. این گروه ممکن است تلاش کند نفوذ خود را به مناطقی فراتر از ادلب گسترش دهد و حتی به رقابت با سایر گروه‌های معارض و دولت‌های منطقه‌ای بپردازد. این وضعیت می‌تواند باعث افزایش تنش در مرزهای جنوبی ترکیه و تقویت نگرانی‌های امنیتی شود. از سوی دیگر، حمایت آشکار یا تلویحی ترکیه از چنین گروه‌هایی ممکن است روابط آنکارا با جامعه بین‌المللی و به‌ویژه کشورهای غربی را پیچیده‌تر کند، زیرا این گروه از سوی برخی کشورها به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می‌شود.

احتمال بازسازی روابط با گروه‌های معارض سوریه

در سناریوی دیگر، ترکیه ممکن است با استفاده از روابط خود با هیئت تحریر الشام تلاش کند این گروه را به یک نیروی سیاسی-نظامی قابل‌قبول‌تر تبدیل کند و آن را وارد فرآیندهای سیاسی برای شکل‌دهی به دولت آینده سوریه نماید. این رویکرد می‌تواند ترکیه را به یک بازیگر کلیدی در روند بازسازی سوریه و مدیریت بحران سیاسی این کشور تبدیل کند. با این حال، این سیاست



خطرات خاص خود را دارد؛ از جمله مقاومت سایر گروه‌های معارض سوری، مخالفت‌های بین‌المللی، و عدم تمایل هیئت تحریر الشام به کنار گذاشتن ایدئولوژی‌های افراطی خود.

#### فشارهای بین‌المللی و تعارضات داخلی

ترکیه ممکن است پس از سقوط الأسد با افزایش فشارهای بین‌المللی مواجه شود تا حمایت خود را از گروه‌هایی مانند هیئت تحریر الشام قطع کند. این فشارها می‌تواند از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و حتی روسیه و ایران اعمال شود که خواستار محدود کردن نفوذ گروه‌های مسلح افراطی در سوریه هستند. از سوی دیگر، حمایت از چنین گروه‌هایی ممکن است در داخل ترکیه نیز به مشکلاتی بیانجامد، از جمله افزایش نگرانی‌های امنیتی، تشدید انتقادات مخالفان داخلی و پیچیدگی در مدیریت بحران پناهجویان. ترکیه در چنین شرایطی مجبور خواهد بود میان منافع استراتژیک خود در سوریه و تعهدات بین‌المللی‌اش توازن برقرار کند.

#### نتیجه‌گیری:

تحولات تاریخی و سیاسی سوریه از دوره استعمار تا سقوط بشار الأسد نشان‌دهنده فراز و نشیب‌های متعدد در ساختار حکومتی و اجتماعی این کشور است. از توافق‌نامه سایکس-پیکو و جنبش‌های استقلال‌طلبانه گرفته تا تأسیس جمهوری اولیه، اتحادهای منطقه‌ای و در نهایت تسلط حزب بعث، هر دوره نشانه‌ای از تأثیرات خارجی و داخلی بر سوریه دارد. این تأثیرات، به‌ویژه در دوران بشار الأسد، با جنگ داخلی، ظهور گروه‌های افراطی مانند داعش و هیئت تحریر الشام و دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، کشور را در بحرانی پیچیده فرو برده است. سقوط احتمالی دولت الأسد، پایان یک دوره استبدادی را نشان می‌دهد اما پرسش‌های مهمی درباره آینده سوریه، ثبات منطقه‌ای و نقش قدرت‌های خارجی مطرح می‌سازد.

در چشم‌انداز آینده، سناریوهای مختلفی برای سوریه و بازیگران خارجی از جمله ایران، ترکیه، آمریکا و روسیه مطرح است. این سناریوها شامل تقسیم کشور، شکل‌گیری دولت‌های موقت یا گسترش نفوذ گروه‌های اسلام‌گرا هستند که هر یک پیامدهای متعددی در حوزه امنیت و سیاست منطقه‌ای خواهند داشت. قدرت‌های خارجی نیز در مواجهه با این تحولات، ناگزیر از بازتعریف سیاست‌های خود در قبال سوریه خواهند بود. ترکیه، به‌ویژه با حمایت از هیئت تحریر الشام، با چالش‌هایی در داخل و فشارهای بین‌المللی روبه‌رو خواهد شد. به همین ترتیب، برای ایران و آمریکا، سقوط الأسد نه تنها به معنای یک تغییر استراتژیک، بلکه به معنای بازتعریف نقش آن‌ها در نظم نوین غرب آسیا است.